

دیناریه الامانه سالیه عالمیه ملکیه

# فضائل روز جمعه

١٣٩٦

تتبع نگارش و نوشته از:  
الحاج امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»  
و داکتر صلاح الدین «سعیدی - سعید افغانی»

## بسم الله الرحمن الرحيم فضائل روز جمعه

جمعه (با ضم جیم و ضم میم یا با ضم جیم و سکون میم) نام روز هفتم از ایام هفته در جنتری مسلمانان بشمار میروند.

### جمعه در لغت:

به هفته و جمع شدن راگویند.

ودر اصطلاح شرعی : به اجتماع مردم در روز جمعه برای انجام نماز جمعه و خود نماز نیز جمعه گویند .

قبل از آمدن دین مقدس اسلام به روز جمعه روز عروبه یعنی روز رحمت می گفتند .  
جمع جُمُعات و جُمُعات و جُمُعات و جُمَع : أسبوع « قضينا جمعة كاملة في القرية ، معنا سپری کردیم جمعه کامل را در قریه ». .

### الجمعة :

1-آخر أيام الأسبوع ، يأتي بعد الخميس ، ويليه السبت ، وهو يوم يجمع المسلمين في الجوامع « حَيْرُ يَوْمٍ طَاعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ يَوْمُ الْجُمُعَةِ » ( حدیث ) ، « إِذَا نُودِي لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ». .

الجمعه که درین جا با پیشوند الف ولا تعريفه ( ال ) که در انگلیسی مساوی به کلمهء ( The ) است در واقعیت نام روز مشخص و معین است در هفته که بعد از روز پنج شنبه یعنی ( خمیس ) و به تعقیب آن روز شنبه یعنی ( سبت ) است .

و پروردگار با عظمت و توانا ما برای ما مسلمانان امری میکند که وقتی به نماز جمعه خوانده شدید به ذکر الله تعالی سعی کند و امور دنیوی ، خرید و فروش را کنار بگذارد .

### نماز ( صلاة ) الجمعة :

الصلوة التي يؤديها المسلمون بدل الظّهر جماعة يوم الجمعة نماز يکه مسلمان آنرا در بدل نماز جماعت ظهر بجاء می آورند .

2-اسم سوره من سور القرآن الكريم ، وهى السُّورَةُ ( رقم 62 ) فى ترتيب المصحف ، مدنية ، عدد آياتها إحدى عشرة آية . نام سوره شماره 62 از سوره های قرآن کریم است که یازده آیه دارد .

در روایتی تاریخی آمده است که این روز در نزد اعراب، اصلاً بنام ( يوم العروبه ) شهرت داشت و این روز در بین شان از اهمیت و اعتبار خاصی برخورد دار بود .  
مورخین مینویسند که : زعماء و رهبران اعراب در این روز در محلی بنام دارالندوه، گرد هم جمع میشدند . و در مورد مسایل مهم حیاتی قوم ، مسایل اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی به بحث ، مناقشه و تبادل نظر می پرداختند .

مؤرخین می افزایند : که دارالندوه ، محل مجلس شورای اهل مکه بود ، این شورای اسا سآ توسط جد چهارم پیامبر صلی الله عليه وسلم ، قصی بن کلاب بنا نهاده شده بود ، میگویند وی در زمان مرگ خویش ، هدایت داد تا اولاده عبدالدار امور رهبریت این شورا را بدوش گیرند .

مورخین مینویسند که : در این مجلس تقریباً بتعداد چهل نفر از بزرگان قوم که اکثریت شان دارایی تقریباً سنتین چهل سال عمر داشتند ، عضو این شورای بودند . جوانترین عضو این شورا تنها عتبه بن ربیعه که کمتر از 40 سال عمر داشت . مشهور ترین افراد این شورا عبارت بودند : ( امية بن خلف، ابو جهل بن هشام، نصر بن حارت، شیبہ بن ربیعه، عتبه بن ربیعه و ابوسفیان حرب ).

مؤرخ شهیر جهان اسلام بنام (جوهری) در توضیح کلمه « دار الندوه » مینویسد خانه که اجتماعات دار الندوه در آن تدویر می یافت بعد ها جزو تعمیر مسجد الحرام ساخته شد .

مؤرخین می افزایند : بعد از اینکه تعداد نسبتاً قابل ملاحظه اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم رهسپار هجرت به یثرب ( مدینه منوره ) گردیدند، قریشیان احساس خطر کردند و برای جلوگیری از این عمل به هر طرف و هر وسیله دست می زدند. بنابراین غرض اتخاذ سیاست واحد و جلوگیری از این خطر در آخر ماه صفر سال چهاردهم بعثت در دار الندوه سران اقوام گرد هم آمدند و به مشورت پرداختند.

به گمان اغلب و قریب به اتفاق ، تعیین روز جمعه ، بحیث روز مهم و مقدس برای مسلمانان از همین فهم گرفته شده باشد.

مؤرخین مینویسند: بعد از اینکه مسلمانان به مدینه منوره آغاز به هجرت کردند و آهسته آهسته در شهر مدینه تقرر حاصل نمودند ، در یکی از روز ها در مدینه، دور هم جمع شدند ، وطی اجتماع در این مورد به بحث و مشورت پرداختند که : پیروان هر دینی، روزی را به عنوان عبادت هفتگی و اجتماع انتخاب کرده اند. پس چون ما مسلمین هم یک امت هستیم و باید روز خاصی را در هفته برای اجتماع، عبادت، رسیدگی به حال یکدیگر و تبادل نظر تعیین کنیم.

از اینکه ، یهود روز شنبه ( سبت - یو م السبت ) را بحیث روز عبادت و نیایش و مسیحیان روز یک شنبه ( احد - یوم الاحد) را به بحیث روز میعاد با مسیح برگزیده بودند، مسلمانان مدینه که تعداد شان در آن زمان تقریباً بیش از چهل فامیل میرسید، روز عروبه را به عنوان روز جمعه، یعنی روز اجتماع، برگزیدند و در آن روز دور هم جمع می شدند و نماز ظهر را به جماعت برپا می داشتند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در روزهای اول هجرت و با اقامه نماز جماعت، این اقدام ایشان را تثبیت کرد و یوم العروبه را به یوم الجمعة تغییر نام داد.

## آداب روز جمعه:

روزه جمعه در تعلیمات اسلامی دارایی ادبی میباشد که ما در اینجاء مختصراً ببرخی از این آداب اشاره مینویمایم :

در حدیثی از سلمان فارسی روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود :

« لایقتسل رجل یوم الجمعة ویتپھر ما استطاع من الطهر، و یدھن من دھن، او یمس من طیب بیته، ثم یخرج فلا یفرق بین اثنین، ثم یصلی ما کتب له، ثم ینصت اذا تکلم الإمام، إلا غفرله ما بینه و بین الجمعة الأخرى» ( هر کس در روز جمعه غسل و در حد توان نظافت و از روغن و بوی خوش خانه اش استفاده کند؛ سپس به مسجد برود و بین هیچ دونفری فاصله نیاندازد و آنچه برای او مقدر شده نماز بخواند، سپس وقتی امام

شروع به خطبه کرد ساكت شود، گناهان (صغریه) او از این جمعه تا جمعه بعدی بخشیده میشود»

هکذا در حدیثی از ابوسعید روایت است :

« من اغتسل یوم الجمعة، و لبس من أحسن ثيابه، و مس من طيب إن كان عنده ثم أتى الجمعة فلم ينحط عنق الناس، ثم صلى ما كتب الله له، ثم أنصت إذا خرج إمامه حتى يفرغ من صلاته كانت كفارة لما بينها و بين الجمعة التي قبله »

(هرکس در روز جمعه غسل کند و از بهترین لباسهایش بپوشد و اگر بوی خوش نزد او بود، استفاده کند، سپس به نماز جمعه برود و از روی گردن مردم قدم برندارد، سپس آنچه خداوند برای او مقدر کرده نماز بخواند؛ سپس از هنگامی که امام برای خطبه خارج میشود تا موقع تمام شدن نماز ساكت شود، (جمعه او) کفاره گناهانی میشود که بین این جمعه و جمعه قبل انجام داده است».

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله عليه وسلم فرمود :

«إِذَا كَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ بَابٍ مِّنْ أَبْوَابِ الْمَسْجِدِ مَلَائِكَةً يَكْتُبُونَ النَّاسَ عَلَىٰ قَدْرِ مَنَازِلِهِمُ الْأَوَّلَ فَالْأَوَّلُ، فَإِذَا جَلَسَ الْإِمَامُ طَوَّوَا الصَّحْفَ وَجَاءُوا يَسْتَمْعُونَ الْذِكْرَ، وَ مِثْلُ الْمَهْرَجِ كَمْثُلِ الْذِي يَهْدِي بَدْنَةً ثُمَّ كَالَّذِي يَهْدِي الْكَبِشَ، ثُمَّ كَالَّذِي يَهْدِي الدَّجَاجَةَ ثُمَّ كَالَّذِي يَهْدِي الْبَيْضَةَ»

(وقتی که روز جمعه فرا میرسد؛ در کنار هر یک از درهای مسجد فرشته‌ای قرار میگیرد و درجات مردم را به ترتیب بر حسب وارد شدنشان، یکی پس از دیگری مینویسند، وقتی که امام شروع به خواندن خطبه کند دفترهایشان را در هم میپیچند و به خطبه گوش میدهند. و ثواب کسی که زود به مسجد میآید، مانند کسی است شتری را قربانی کرده، و سپس مانند کسی که گاوی را قربانی کرده، و سپس مانند کسی که قوچی را قربانی کرده، سپس مانند کسی که مرغی را قربانی کرده، سپس مانند کسی که تخ مرغی را قربانی کرده است).

1- غسل برای همه‌ی کسانی که در نماز جمعه شرکت میکنند، واجب است، زیرا پیامبر صلی الله عليه وسلم فرمود: «**غُسْلُ الْجُمُعَةِ وَاجِبٌ عَلَىٰ كُلِّ مُحْتَلِمٍ**» (متفق علیه.) (غسل روز جمعه بر هر مرد بالغ و عاقلی واجب است).

2- پوشیدن لباس پاک و استفاده از عطر و هر آنچه دارای بوی خوش میباشد، زیرا پیامبر صلی الله عليه وسلم فرمود: «**عَلَىٰ كُلِّ مَسْلِمٍ غُسْلُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ، وَ لِيَلْبِسْ مِنْ صَالِحٍ ثِيَابَهُ، وَ إِنْ كَانَ لَهُ طَيِّبٌ مِّنْهُ**». (رواه أحمد و أبو داود وأصله في الصحيحين.) (بر هر مسلمانی واجب است که در روز جمعه غسل نماید و بهترین لباسهایش را بپوشد و اگر عطر داشته باشد باید خود را خوشبو کند).

3- قبل از اینکه وقت جمعه فرا رسد باید خود را به مصلی برساند، زیرا پیامبر صلی الله عليه وسلم فرمود: «**مِنْ اغْتَسَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ غُسْلُ الْجَنَابَةِ، ثُمَّ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الْأُولَىِ، فَكَانَمَا قَرَبَ بَدْنَةً، وَمَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الثَّانِيَةِ، فَكَانَمَا قَرَبَ بَقْرَةً، وَمَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الْثَّالِثَةِ فَكَانَمَا قَرَبَ كَبِشاً أَقْرَنَ، وَمَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الْرَّابِعَةِ فَكَانَمَا قَرَبَ دَجَاجَةً، وَمَنْ رَاحَ فِي السَّاعَةِ الْخَامِسَةِ فَكَانَمَا قَرَبَ بَيْضَةً، فَإِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ حَضَرَتِ الْمَلَائِكَةُ يَسْتَمْعُونَ الْذِكْرَ**» (مالك و بخاری آن را روایت کرده‌اند)

(کسی که در روز جمعه غسل مانند غسل جنابت و با همان صفات و شرایط انجام دهد، سپس به سوی مسجد برود مثل این است که یک شتر را در راه خدا قربانی کرده باشد، کسی که در ساعت دوم به مسجد برود، مثل این است که یک گاو را صدقه کرده باشد، کسی که در ساعت سوم به مسجد برود ثوابش مثل این است که یک قوچ شاخدار را قربانی نموده باشد و کسی که در ساعت چهارم به مسجد برود ثوابش مثل این است که یک مرغ را صدقه داده باشد، کسی که در ساعت پنجم برود مانند این است که یک تخ مرغ را صدقه داده باشد، همین‌که امام در مسجد ظاهر گردید، فرشتگان حاضر می‌شوند و به ذکر و دعا و مطالب خطبه گوش فرا می‌دهند).

4- بعد از این‌که وارد مسجد می‌شود، هر اندازه که در توان داشته باشد نماز سنت را می‌خواند، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «لا یغتسل رجل يوم الجمعة، ويتطهر بما استطاع من طهرا، ويذهن من ذهنه أو يمس من طيب بيته، ثم يروح إلى المسجد لا يفرق بين اثنين، ثم يصلى ما كتب له، ثم ينصت للإمام إذا تكلم إلا غفر له من الجمعة إلى الجمعة الأخرى ما لم يعش الكبار» (بخاری آنرا روایت کرده است). (هر کس در روز جمعه غسل نماید و در حد توان نظافت را رعایت کند و موهايش را روغن زند و خود را معطر نماید، سپس به مسجد برود و در هر نقطه که خالی باشد نمازش را بخواند، سپس ساكت نشسته و به سخنان امام گوش فرا بدهد، حتماً خداوند از تمامی گناهان او در طول این هفته تا هفته‌ی دیگر در می‌گزارد، اما به شرط این‌که مرتکب گناه کیفر نشده باشد).

5- رعایت سکوت به هنگام آمدن امام و پرهیز از این‌که خود را به چیزی مشغول نماید، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود:

«إذا قلت لصاحبك يوم الجمعة والإمام يخطب: أنت فقد لغوت» (وقتی که امام در روز جمعه خطبه‌ی نماز را می‌خواند شما اگر به رفیقت بگویید ساكت باش، شما هم کار عبث و لغوی انجام داده‌اید و از ثواب جمعه‌ات کم می‌شود). (مسلم آن را روایت کرده است.) و در روایت دیگری آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَنْ مَسَّ الْحَصْنِ فَقَدْ لَغَى، وَمَنْ لَغَى فَلَا جُمْعَةَ لَهُ». (هر کس خود را به چیزی مشغول نماید، پس کار عبث و لغوی را انجام داده است و هر کس کار لغوی را انجام دهد، از پاداش جمعه بی‌بهره می‌شود). ابو داود آنرا روایت کرده است.

6- اگر در هنگامی وارد مسجد شد که امام خطبه می‌خواند، دو رکعت نماز تحيه المسجد را به طور خلاصه می‌خواند، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «إذا دخل أحدكم يوم الجمعة والإمام يخطب فليركع ركعتين وليتجوز فيهما». (وقتی وارد مسجد شدید و امام خطبه را می‌خواند باید دو رکعت نماز را به طور خلاصه بخوانید). (مسلم آن را روایت کرده است.).

7- گام برداشتن بر نماز گزاران و از هم جدا کردن آنان کراحت دارد، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم وقتی فردی را مشاهده نمود که بر نماز گزاران قدم بر می‌دارد، خطاب به وی فرمود: «اجلس فقد آذيت». (بنشین، براستی که مایه‌ی اذیت و آزار دیگران شدید). (ابو داود آنرا روایت کرده است.).

و در روایت دیگری آمده که فرمود: «و لا يفرق بين اثنين». (انسان مؤمن هرگز میان دو شخص فاصله ایجاد نمی‌کند و آنان را از هم جدا نمی‌سازد).

8- خرید و فروش بعد از آذان دوم حرام و غیر مشروع می‌باشد، زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «ای مؤمنان! هنگامی که روز آدینه برای نماز جمعه آذان گفته شد، به سوی ذکر و عبادت خدا بستابید و داد و ستد را رها سازید. این (چیزی که بدان دستور داده می‌شوید) برای شما بهتر و سودمندتر است اگر متوجه باشید».

9- خواندن سوره کهف در شب و روز جمعه مستحب می‌باشد، با توجه به این‌که از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرمود:

«من قرأ سورة الكهف في يوم الجمعة أضاء له من النور ما بين الجمعتين» (هر کس در روز آدینه سوره‌ی کهف را بخواند، خداوند به فاصله‌ی دو جمعه روشنایی را برای او مهیا می‌گردد). و سلف صالح نیز در شبانه روز جمعه این سوره را می‌خوانندن. (حاکم آن را گزارش داده و بیان داشته که صحیح می‌باشد).

10- صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه وسلم ، زیرا می‌فرماید: «أكثروا على من الصلاة يوم الجمعة وليلة الجمعة، فمن فعل ذلك كُنْتَ لِه شهيداً وشفيعاً يوم القيمة» (در شب و روز جمعه صلوات زیادی را بر من بفرستید؛ هر کس این کار را انجام دهد، در روز قیامت مرا به عنوان شاهد و شفیع خود می‌یابد). (بیهقی آنرا با سندی حسن نقل کرده است).

11- دعای فراوان در روز جمعه؛ زیرا روز جمعه حاوی ساعت و زمانی است که خداوند متعال در آن ساعت دعاها را می‌پذیرد و خواسته‌ی بندگانش را استجابت می‌نماید، پیامبر صلی الله علیه وسلم در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّ فِي الْجُمُعَةِ سَاعَةً، لَا يَوْافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ، يَسْأَلُ اللَّهَ فِيهَا خَيْرًا، إِلَّا أُعْطَاهُ إِيمَاهُ» (یک زمان و ساعتی در روز جمعه وجود دارد، هر بندگی مسلمانی در آن ساعت هر چیز خیری را از خدا بخواهد ، خداوند خواسته‌اش را استجابت می‌نماید).

ragع به آن ساعت و زمان گفته‌اند که فاصله‌ی آمدن امام به مسجد تا برگشتن ایشان است و برخی گفته‌اند بعد از نماز عصر است. (امام احمد آن را روایت کرده و عراقی نیز آن را به عنوان حدیث صحیح قلمداد نموده است).

### برخی از فضائل روز جمعه در احادیث نبوی:

در حدیثی از اوس بن اوس ثقیی روایت می‌کند که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم : «مَنْ غَسَّلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَأَغْشَلَ، ثُمَّ بَكَرَ وَابْتَكَرَ، وَمَشَى وَلَمْ يَرْكَبْ، وَدَنَّا مِنْ الْإِمَامِ، فَاسْتَمَعَ وَلَمْ يَلْغُ، كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ عَمَلٌ سَنَةٌ أَجْرٌ صِيَامُهَا وَقِيَامُهَا».

(کسی که روز جمعه سرش را شسته و غسل نماید سپس زود به مسجد خود را برساند و به اول خطبه حاضر گردد ، و پیاده رفته و از وسایل نقلیه استفاده نکند و به امام نزدیک شده و به خطبه گوش داده و کارهای بیهوده انجام ندهد. برای هر قدمی که بر می‌دارد ثواب یک سال روزه و نماز به او داده می‌شود. ( أبو داود فی السنن رقم ۳۴۵ قال النووي فی المجموع هذا الحديث حسن و قال الهیثمی فی مجمع الزوائد رجاله رجاله الصحيح، صحيح الترغیب والترہیب رقم ۶۹۰ )

در حدیثی از أبی مالک الأشعري رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : «الْجُمُعَةُ كَفَارَةٌ لِمَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ الَّتِي تَلَيْهَا وَزِيَادَةٌ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ وَذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا». ( طبرانی فی الكبير،

صحيح الترغيب والترهيب رقم ٦٨٥)

(روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: جموعه، کفاره گناهان همان جموعه تا جموعه بعدی به همراه سه روز دیگر است. زیرا خداوند متعال می‌فرماید: کسی که یک نیکی انجام دهد ده برابر آن برای او به حساب می‌آورد. از ابو مالک اشعری رضی الله عنہ).

### روز اول هفته جموعه است نه شنبه:

«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ نَحْنُ الْآخْرُونَ السَّابِقُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيْنَ أَنَّهُمْ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِنَا ثُمَّ هَذَا يَوْمُهُمُ الَّذِي فُرِضَ عَلَيْهِمْ فَأَخْتَلُوْا فِيهِ فَهَدَانَا اللَّهُ فَالنَّاسُ لَنَا فِيهِ تَبَعُّ الْيَهُودُ غَدًا وَالنَّصَارَى بَعْدَ غَدٍ». «

(صحیح بخاری، حدیث: 827 و صحیح مسلم، حدیث: 1413) ابو هریره رضی الله عنہ

می فرماید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: ما(امت اسلامی، در دنیا از همه آخرتر آمده ایم ولی در قیامت از همه جلوتر از ما حساب و کتاب گرفته می شود، این واضح است که به آنها(یعنی یهود و نصاری) قبل از ما(امت اسلامی) کتاب داده شده است، سپس این روز (جموعه) همان روزشان بود که (از جانب الله متعال؛ تعظیم آن) بر آنها فرض قرار داده شده بود ولی آنان (یهود و نصاری در تعیین و انتخاب این روز) اختلاف نمودند، الله متعال ما را بسوی این (روز) هدایت نمود و دیگر مردم تابع و دنبال روی ما اند (روز) یهودیها فردا (که شنبه است) می باشد و (روز) نصرانی ها پس فردا (که یک شنبه است) می باشد.

ابن حجر عسقلانی رحمه الله در توضیح و تشریح، این حدیث چند مساله استتباط و برداشت نموده که یکی از آنها این است که روز (جموعه) از نظر شرعی روز اول هفته است ، در این باره به گفتار ابن حجر رحمه الله توجه فرماید که ایشان می فرمایند: «وَأَنَّ الْجُمُعَةَ أَوَّلُ الْأَسْبُوعِ شَرْعًا ، وَيَدْلِلُ عَلَى ذَلِكَ تَسْمِيَةُ الْأَسْبُوعِ كُلَّهُ جُمُعَةً». یعنی : و(مساله دیگری که از این حدیث استتباط می شود این است) که روز جمعه از نظر شرعی روز اول هفته است، و دلیل دیگر این مطلب این است که (صحابه رضی الله عنهم) به کل هفته (نیز) جموعه می گفتند.

### اغاز شب جموعه :

شب جموعه اصطلاحی است که در بین مسلمانان برای روز پیش از جموعه (پنچشنبه) اطلاق می‌شود . این اصطلاح بیشتر یک اصطلاح دینی می‌باشد چرا که روز جموعه از جمله یکی از روز های مقدس ، مهم و با فضیلتی در بین مسلمانان بشمار می‌رود . گفتم روز «جموعه» روز پایانی هفته، و مورد احترام مسلمانان و یکی از عید های مهم است.

سوال در اینجا است که شب جموعه از کدم لحظه اغاز می‌یابد، و در چه زمانی به پایان خود میرسد؟

باید توجه داشت که ابتدا شب بر روز مقدم می شود، یعنی هر یک از ایام هفته ابتدا با شب شروع می شوند و سپس روز بر شب آن حاکم می شود، پس مثلا در جموعه ابتدا شب می آید سپس روز آن بدنبال شب فرا می رسد، و باز باید توجه نمود که شب از زمان

غروب آفتاب است تا زمان طلوع فجر صادق که با آن صبح می‌رسد، با این حساب از زمان غروب آفتاب در روز پنجشنبه تا غروب آفتاب در روز جمعه، بعنوان روز جمعه تلقی می‌شود، و آنچه که معمولاً بین مردم رایج است که می‌گویند (پنج شنبه شب که فردایش جمعه است) این اشتباه است! زیرا شب جمعه را شب پنج شنبه می‌خوانند، بلکه باید گفت که: (شب جمعه که فردایش صبح جمعه است..) بعبارتی آغاز جمعه از غروب آفتاب در روز پنج شنبه شروع می‌شود، و با غروب آفتاب در روز جمعه پایان می‌یابد، و شب شنبه فرا می‌رسد.

## **خصوصیات روز جمعه:**

روز جمعه مزایای زیادی دارد چنان که امام سیوطی (عبدالرحمٰن بن الکمال ابی‌بکر بن محمد سابق‌الدین الخضیری الأسيوطی (۸۴۹ در قاهره - ۹۱۱ هـ) مشهور به جلال‌الدین سیوطی از دانشمندان شهیر سرزمین مصر (در کتابی خویش به نام «خصوصیات یوم الجمعة» درباره روز جمعه صد مزیت را بیان داشته است: از آنجلمه تجمع ارواح در روز جمعه، زیارت قبور در آن، امنیت مرده از عذاب قبر و کسی که در شب و روز جمعه بمیرد در آن شب و روز عذاب داده نخواهد شد و در روز جمعه اهل جنت به ملاقات پروردگار با عظمت می‌روند وغیره ... .

## **فضیلت روز جمعه:**

روز جمعه روزی بزرگ است و از بزرگترین روزهای دنیا و ارزشمندترین روزهای هفته محسوب می‌گردد، پس با توجه به این‌که خداوند آن را بزرگ شمرده، لازم است که به عنوان روزی بزرگ از آن استقبال بعمل اید ، و کارهای نیک و صالح را در آن انجام داد و از تمامی گناهان پرهیز نمود وصلوات فراوانی بر پیامبر صلی الله علیه وسلم در این روز فرستاد .

در مقام و منزلت روز جمعه در حدیثی آمده است: «خير يوم طلعت عليه الشمس، يوم الجمعة، فيه خلق آدم، وفيه أدخل الجنة، وفيه أخرج منها، ولا تقوم الساعة إلا في يوم الجمعة» (مسلم ، احمد و ترمذی آنرا روایت کرده‌اند). (بهترین روزی که آفتاب در آن طلوع کرده روز جمعه است، در روز جمعه آدمعلیه السلام خلق شده، و در روز جمعه وارد جنت شد ، و در روز جمعه بود از که از جنت بیرون شد، و در روز جمعه قیامت برپا می‌شود).

و ابوبابه بدري(رض) روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «سید الأيام يوم الجمعة، وأعظمها عند الله تعالى، من يوم الفطر، ويوم الأضحى...» (روز جمعه نزد خداوند از بزرگترین روزها محسوب می‌گردد و از روز عید فطر و قربان نیز بزرگتر است). احمد و ابن ماجه آنرا روایت کرده‌اند، و عراقی در خصوص آن گفته که سندش حسن است.

و در حدیثی از ابوهریر(رض) روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «من اغتسل يوم الجمعة غسل الجنابة، ثم راح في الساعة الأولى، فكأنما قرب بدنه، ومن راح في الساعة الثانية، فكأنما قرب بقرة، ومن راح في الساعة الثالثة فكأنما قرب كبشًا أقرن، ومن راح في الساعة الرابعة فكأنما قرب دجاجة، ومن راح في الساعة الخامسة

فکأنما قرب بيضة، فإذا خرج الإمام حضرت الملائكة يستمعون الذكر». (کسی که در روز جمعه غسلی مانند غسل جنابت و با همان صفات و شرایط انجام دهد، سپس به سوی مسجد برود مثل این است که یک شتر را در راه خدا قربانی کرده باشد، کسی که در ساعت دوم به مسجد برود، مثل این است که یک گاو را صدقه کرده باشد، کسی که در ساعت سوم به مسجد برود ثوابش مثل این است که یک قوچ شاخدار را قربانی نموده باشد و کسی که در ساعت چهارم به مسجد برود ثوابش مثل این است که یک مرغ را صدقه داده باشد، کسی که در ساعت پنجم برود مانند این است که یک تخ مرغ را صدقه داده باشد، همین که امام در مسجد ظاهر گردید، فرشتگان حاضر می‌شوند و به ذکر و دعا و مطالب خطبه گوش فرا می‌دهند). (مالك و بخاری آن را روایت کرده‌اند.)

### **کثرت صلوات در روز جمعه:**

در حدیثی از ابی امامه رضی الله عنہ روایت است که پیامبر صلی الله علیہ وسلم فرموده: «أكثروا على من الصلاة في كل يوم الجمعة فإن صلاة أمتي تعرض على في كل يوم الجمعة فمن كان أكثرهم على صلاة كان أقربهم مني منزلة» (بیهقی باسناد حسن، صحیح الترغیب و الترهیب رقم ۱۶۷۳)

(از ابو امامه رضی الله عنہ روایت است که رسول الله صلی الله علیہ وسلم فرمودند: در روز جمعه صلوات بیشتری بر من بفرستید زیرا درودهای امت من، هر جمعه بر من عرضه می‌شود پس کسی که صلوات او بر من بیشتر باشد منزلت و جایگاه او به من در روز قیامت نزدیکتر خواهد بود).

### **حکمت و فلسفة فرض شدن نماز جمعه :**

نمازهای پنجگانه ای که امروزه ما مسلمین هر روز باید آنرا سر وقت بخوانیم و هفده رکعت می‌باشند، در شب اسراء و معراج پیامبر صلی الله علیہ وسلم بر مؤمنین فرض شد که هنوز پیامبر صلی الله علیہ وسلم و یارانش در مکه زندگی می‌گردند.

زهی می‌گوید: «اسراء یک سال قبل از هجرت رسول خدا صلی الله علیہ وسلم در ماه ربیع الاول روی داد، اما روایت واردہ در اینباره که اسراء در شب بیست و هفتم ربیع روی داده، سند صحیحی ندارد». (انوار القرآن).

در صحیح بخاری و مسلم از حدیث انس بن مالک آمده است که رسول الله صلی الله علیہ وسلم فرمود: «فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أَمَّتِي حَمْسِينَ صَلَاةً، فَرَجَعْتُ بِذَلِكَ، حَتَّى مَرَرْتُ عَلَى مُوسَى، قَالَ: مَا فَرَضَ اللَّهُ لَكَ عَلَى أَمَّتِكَ؟ قُلْتُ: فَرَضَ حَمْسِينَ صَلَاةً، قَالَ: فَأَرْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَإِنَّ أَمَّتَكَ لَا تُطِيقُ ذَلِكَ، فَرَاجَعْتُ، فَوَضَعَ شَطَرَهَا، فَرَجَعْتُ إِلَى مُوسَى، قُلْتُ: وَضَعَ شَطَرَهَا، قَالَ: رَاجِعٌ رَبَّكَ فَإِنَّ أَمَّتَكَ لَا تُطِيقُ فَرَاجَعْتُ فَوَضَعَ شَطَرَهَا فَرَجَعْتُ إِلَيْهِ، قَالَ: ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَإِنَّ أَمَّتَكَ لَا تُطِيقُ ذَلِكَ، فَرَاجَعْتُهُ، قَالَ: هِيَ حَمْسُ، وَهِيَ حَمْسُونَ، لَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَى، فَرَجَعْتُ إِلَى مُوسَى، قَالَ: رَاجِعٌ رَبَّكَ، قُلْتُ: اسْتَحْيِيُّ مِنْ رَبِّي، ثُمَّ انطَّلَقَ إِلَى اتْهَى بِإِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، وَغَشِّيَّهَا الْوَانٌ لَا أَدْرِي مَا هِيَ، ثُمَّ أَدْخَلْتُ الْجَنَّةَ، فَإِذَا فِيهَا حَبَابِلُ الْلَّوْلُو، وَإِذَا تُرَابُهَا الْمِسْكُ». (بخاری: 349) یعنی: «خداؤند در سفر معراج، روزانه پنجاه نماز بر امتم فرض گردانید. با آن پنجاه نماز، برگشتم تا

اینکه به موسی علیه السلام رسیدم. ایشان پرسید: خداوند بر امنت چه چیزی فرض کرد؟ گفتم: روزانه پنجاه نماز. موسی علیه السلام فرمود: دوباره نزد پروردگارت برو. زیرا امنت توانایی انجام این کار را ندارد. نزد خداوند متعال برگشتم. حق تعالی بخشی از آن پنجاه نماز را کم کرد. وقتی نزد موسی علیه السلام آمدم، گفتم: بخشی از نمازها را معاف نمود. موسی علیه السلام گفت: باز هم بسوی خدا برگرد زیرا امنت توانایی این را هم نخواهد داشت. من بار دیگر نزد پروردگار رفتم. خداوند متعال این بار نیز بخشی از نمازها را کم کرد. باز چون نزد موسی رفتم و گفتم که خداوند بخشی دیگر از نمازها را بخشیده است، موسی علیه السلام باز همان سخن قبلی خود را تکرار کرد. برای آخرین بار، نزد حق تعالی رفتم، خداوند فرمود: روزانه پنج بار نماز بخوانید و ثواب پنجاه نماز را دریافت کنید و من هیچگاه خلاف و عده عمل نمی کنم. من بسوی موسی بازگشتم. گفت: بار دیگر به خداوند مراجعه کن. (این بار نپذیرفتم) گفتم: از خداوند شرم می کنم. آنگاه، جبرئیل مرا با خود برد تا اینکه به سدره المنتهی رسیدم. در آنجا، چیزهای گوناگونی دیدم که از آنها سر در نیاوردم. سپس وارد بهشت شدم. و در آنجا با زنجیرهای ساخته شده از مروارید و خاک بهشت که از مشک و عنبر بود، رو برو شدم». البته بعضی از اهل علم گفته اند که قبل از آنکه این پنج نماز روزانه فرض شود، مسلمانان هر روز صبح و شب دو رکعت نماز می خوانندند.

قتاده رحمه الله می گوید: «**كَانَ بَدْءُ الصِّيَامِ أَمْرَوا بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِّنْ كُلِّ شَهْرٍ ، وَرَكِعَتِينَ غَدْوَةً ، وَرَكِعَتِينَ عَشِيَّةً**». «**تَفْسِيرُ الطَّبْرَى**» (3 / 501). یعنی: در اوایل امر شده بود تا در هر ماه سه روزه گرفته شود، و نیز دو رکعت صبح و دو رکعت شب نماز خوانده شود.

و امام ابن کثیر رحمه الله در تفسیر آیه «**وَسَيِّخْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ**» (سوره ق آیه : 39). (و پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب، پروردگارت را همراه با ستایش تسبیح گوی) می گوید: «و این امر قبل از فرض شدن نمازهای پنجگانه در شب اسراء بود، زیرا این آیه مکی است». (تفسیر ابن کثیر ( جلد 3 / 538 ) ، و نگاه کنید به : (**البحر الرائق**)، ابن نجیم (1 / 257) .

البته بعضی از علماء این اقوال قتاده و ابن کثیر را قبول ندارند. و گروهی از اهل علم گفته اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم قبل از فرض شدن نماز در شب اسراء نمازی بجز نماز شب نمی خوانندند بدون آنکه وقت آن یا تعداد رکعتش مشخص باشد. نگاه کنید به: (**التمهید لابن عبد البر**) (35/8).

مطابق روایات تاریخی نماز جمعه در مکه مکرمه، و در شب معراج با بقیه نمازها فرض شده است. اگر چه روایتی هم هست که در مدینه منوره فرض شده است. اما صحیح ترین روایت این است که نماز جمعه، در مکه مکرمه فرض شده است.

پیامبر اسلام چرا در مکه نماز جمعه را اداء نکردند؟

دلیلش واضح و دقیقی که پیامبر صلی الله علیه وسلم چرا نماز جمعه را در مکه مکرمه بجای نیاورد اینست که:

- چون اوایل دعوت به اسلام بود و در آن زمان تعداد مسلمانان در مکه مکرمه کم بود .

- دومین دلیل عدم اقامه نماز در مکه مکرمه را میتوان در ترس مسلمانان خلاصه نمود ، طوریکه فوقاً بدان اشاره نمودیم ، تعداد مسلمانان بسیار کم بود و عملاً ترس از آزار و اذیت مشرکین وجود داشت و در بسیاری حالت مسلمانان بطور مخفیانه زندگی می کردند. عمدتاً این دو عامل باعث شده بود که پیامبر اسلام نماز جمعه را در مکه مکرمه اقامه نکردند.

ولی ناگفته نباید گذاشت که : پیامبر صلی الله علیه وسلم ، برای تنظیم امور مسلمین در شهر مدینه ، صحابی جلیل القدر مصعب بن عمير را به بحیث معلم به مدینه منوره فرستادند . ، مصعب بن عمير حامل پیام پیامبر صلی الله علیه وسلم بودکه در آن خطاب به مسلمانان در ضمن سایر دساتیر هدایت گردیده بود که مسلمانان باید در شهر مدینه نماز جمعه را اقامه کنند.

اسعد بن زراره (رض) بعد از وصول هیات مسلمانان را جمع کرد و مصعب بن عمير فرستاده رسول الله صلی الله علیه وسلم را به عنوان اولین خطیب، نماز جمعه را در مدینه منوره اداء کرد.

این اولین نماز جمعه بود که توسط مصعب بن عمير و اسعد بن زراره در مدینه برگزار شد.

پیامبر اسلام هم پس از ورودشان به مدینه منوره بعد از چهار روز اقامت در قباء هنگامی که عازم مدینه شدند، چون در آن زمان قبا از مدینه فاصله داشت در قبیله بنی سالم بن عوف وقتی که ظهر فرا رسید در آن جا توقف کردند و اعلام کردند. مردم جمع شدند و نماز جمعه را در آنجا اقامه کردند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم هم با خاطر اهمیت نماز جمعه، در لحظات ورودشان نماز جمعه را در قباء اقامه کردند و اجماع امت هم همین طور است که نماز جمعه فرض عین است.

## اولین بار نماز جمعه چه وقت فرض شد؟

در مورد اینکه اولین نماز جمعه چه وقت فرض شد طوریکه در فوق نیز اشاره کردیم مطابق روایات اسلامی: مسلمانان «مدینه»، پیش از آن که پیامبر صلی الله علیه وسلم هجرت کند، با یکدیگر به مباحثه پرداختند و گفتند که : قوم «یهود» در طول هفته روزی خاصی برای اجتماع دینی خویش دارند که مصادف میگردد به (روز شنبه)، همچنان «نصاری» نیز روزی معینی برای برگزاری مراسم دینی دارند که مصادف میشود به روز (یکشنبه) ، بنابراین خواهد بود که مسلمانان هم روزی داشته باشند که با دور هم جمع شوند و در آن روز در جنبی اینکه به بحث مسائل دینی و اجتماعی می پردازند ، مصروف عبادت دستگمی نیز خواهند شد ، آنها روز قبل از شنبه را که در آن زمان «یوم العروبه» نامیده می شد، برای این هدف عالی خویش برگزیدند، بنآنزد «اسعد بن زراره» که یکی از بزرگان اهل مدینه بود ، رفتند ، و او نماز را به صورت جماعت با آنها به جا آورد و به آنها اندرز داد، و آن روز ، «روز جمعه» نامیده شد، زیرا روز اجتماع مسلمین بود .

اسعد بن زراره به مردم دستور داد از اینکه مسلمانان به اتفاق نیکی دست یافتد ،

گوسفندی را ذبح نمایند ، مسلمانان گوسفند را حلال و همه مسلمانان در نان چاشت و شب از گوشت این گوسفند غذا خوردند . ناگفته نماند تعداد مسلمانان در آن زمان در شهر مدینه بسیار کم بود .

و این نخستین نماز جمعه ای بود که در تاریخ امت اسلام تشکیل شد .

اما، اولین نماز جمعه ای که رسول الله صلی علیه وسلم با اصحابش بجاء اوردند ، هنگامی بود که به «مدینه» هجرت کرد، مطابق روایت تاریخی آن حضرت روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول هنگام ظهر وارد «مدینه» شد، چهار روز در «قبا» ماندند و مسجد «قبا» را بنیان نهادند، سپس روز «جمعه» به سوی «مدینه» حرکت کرد، (فاصله میان «قباء» و «مدینه» بسیار کم است، وامروز «قباء» یکی از محله های داخل «مدینه» است)، به هنگام نماز جمعه، به محله «بنی سالم» رسید، و مراسم نماز جمعه را در آنجا برپا داشت، و این اولین نماز جمعه ای بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم در اسلام به جا آورد، خطبه ای هم در این نماز جمعه خواند که، اولین خطبه محمد صلی الله علیه وسلم در «مدینه» بود .

یکی از محدثان از «عبد الرحمن بن کعب» نقل کرده: پدرم هر وقت صدای آذان جمعه را می شنید، بر «اسعد بن زراره» رحمت می فرستاد، هنگامی که دلیل این مطلب را جویا شدم، گفت: به خاطر آن است که او اولین کسی است که نماز جمعه را با ما به جا آورد .

گفتم: آن روز چند نفر بودید؟ گفت: فقط چهل نفر!

## کمترین عدد برای اقامت نماز جمعه:

در مورد اینکه کمترین عدد برای اقامت نماز جمعه چند نفر باشند علماء در مورد با هم اختلاف نظر پرداختند :

مشهورترین اقوال در نزد علماء آنست که میگویند برای انعقاد نماز جمعه نیاز به 40 نفر مرد میباشد، و این نظر امام مالک، امام شافعی، امام احمد بن حنبل و تعدادی دیگری از علماء میباشد و دلیلشان بر اینست طوریکه در فوق بیان شد که اولین نماز جمعه ای که در مدینه منعقد شد 40 نفر بودند.

رأی دیگری از علماء اینست که : کمترین عدد باید 12 نفر باشند و این نظر ربیعة بن عبدالرحمن استاذ امام مالک میباشد.

تعدادی دیگری از علماء کمترین عدد را برای انعقاد نماز جمعه 4 نفر میدانند ، و این نظر امام صاحب ابو حنیفه نیز میباشد .

همچنان تعدادی از علماء کمترین عدد را برای انعقاد نماز روز جمعه 3 نفر میدانند و این نظر امام اوزاعی و شیخ الاسلام ابن تیمیة میباشد .

ولی بهترین قول آنست که میگوید کمترین عدد برای انعقاد نماز جماعت در شهر و یا روستا 3 نفر میباشد زیرا کمترین عددی که به آن جماعت گفته میشود 3 نفر میباشد و برای اعداد بالاتر از آن دلیل واضحی نیست و اگر تعداد معینی برای انعقاد نماز جمعه شرط میبود ، پیامبر صلی الله علیه وسلم حتما آنرا برای امتش بیان میداشت .

## حکمت و فلسفه نماز جمعه چیست؟

همان طور که در آیات قرآن و احادیث نبوی آمده است ، تاکید فراوان شرع اسلام در وضع عبادات به اتحاد مسلمانان و انسجام اسلامی شده است . در حدیثی پیامبر صلی الله علیه وسلم جامعه اسلامی را به یک جسم تشبيه کرده اند . که همه اعضای یک جسم به هم پیوسته هستند . لذا برای استحکام اتحاد و انسجام خداوند متعال هفته ای یک روز را قرار داده تا مسلمانان از جاهای دور و نزدیک در مصلا و در میعادگاه نماز جمعه حاضر شوند و در کنار یکدیگر وحدتشان را به نمایش بگذارند .

### دو مین حکمت نماز جمعه:

ایجاد الفت و محبت بین مسلمانان است . وقتی مسلمانان در یک جامع می شوند و در کنار یکدیگر نماز جمعه را اقامت می کنند . خود به خود الفت و محبت در دلهای آنها جا می گیرد و یکدیگر را بهتر می شناسند و در موقع مشکلات و مصیبی که برای فردی از افراد جامعه اتفاق می افتد می توانند به او کمک کنند .

همچنین فلسفه دیگر نماز جمعه تعلیم و تعلم است . بر هر مرد و زن مسلمان فرض است که دین و مسایل شرعی اش را یاد بگیرد .

لذا در روز جمعه که از سخنان از کتاب الله و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم بیان می شود . مسلمانان در میعادگاه جمعه حاضر می شوند و مسائل دین را یاد می گیرند . در واقع نماز جمعه مدرسه هفتگی است برای آموختن دین و پند و اندرزهای اسلامی . و لازم است که هر فرد مسلمان در این مکتب اشتراک نمایند .

نماز جمعه در واقع یکی از بزرگترین شاعر اسلام است که عظمت دین اسلام را به نمایش می گذارد .

### حکم نماز جمعه:

تعداد کثیری از علمای اسلام بر واجب بودن نماز جمعه حکم مینمایند واستدلال به فرموده پروردگار با عظمت مینمایند :

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِي لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذْرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ » (سوره جمعه : ایه 9)

(ای مؤمنان هنگامیکه روز جمعه برای نماز ندا داده شد به سوی ذکر و عبادت الله بشتابید و خرید و فروش را رها سازید این برای شما بهتر و سودمندتر است اگر بدانید ) .

از طارق بن شهاب روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود :

«الجمعة حق واجب على كل مسلم في جماعة إلا أربعة، عبد مملوك أو امرأة أو صبي أو مريض» (صحیح ابو داود 942) «خواندن نماز جمعه همراه با جماعت بر هر فرد مسلمانی واجب است، مگر بر چهار گروه؛ غلام که در مالکیت سیدش است، زن، کودک، و انسان مريض.)

از ابن عمر و ابو هریره روایت است که آنان از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدند که روی منبرش می فرمود: « لِيَنْتَهِيَ أَقْوَامٌ عَنْ وَدْعِهِمُ الْجَمَعَاتِ أَوْ لِيَخْتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ ثُمَّ لِيَكُونُنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ » (صحیح ابن ماجه : 5480) «افرادی که جمعه را ترک می کنند باید از این عملشان دست بکشند و گرنم خداوند بر قلبها آنها مهر (غفلت)

می‌زند، سپس در زمره غافلان قرار می‌گیرند».

از عبدالله روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم به گروهی که نماز جمعه را ترک می‌کردند فرمود: «لقد همت ان آمر رجلاً يصلى بالناس، ثم أحرق على رجال يتخلفون عن الجمعة بيوتهم» (صحیح ابن ماجه: 5142)، «تصمیم داشتم که شخصی را مأمور کنم تا برای مردم نماز بخواند سپس بروم و خانه‌های مردانی را که به نماز جمعه نمی‌آیند بر سرشان آتش بزنم».

از ابو بعد ضمیری روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «من ترك ثلاث جمع تهاونا بها طبع الله على قلبه» (ابو داود 1039/377/3) «کسی که سه جمعه را از روی بی‌توجهی، ترک کند خداوند بر قلبش مهر می‌زند».

از اسامه بن زید روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «من ترك ثلاث جمعات من غير عذر كتب من المنافقين» (صحیح ابن ماجه: 6144)، «کسی که سه جمعه را بدون عذر ترک کند، از منافقین به حساب می‌آید».

پس طبق احادیث صحیح فوق الذکر، کسی که به فرضیت نماز جمعه اعتقاد داشته باشد ولی سستی کند و بدون عذر نماز جمعه را با جماعت نخواند و نماز جمعه عمداً ترک کند پس از ترک 3 نماز جمعه خداوند قلبش را مهر غفلت و گمراهی می‌زند و از جمله منافقین نوشته خواهد شد، پس چه برسد به کسی که نه تنها نماز جمعه را نمی‌خواند بلکه فرضیت نماز جمعه را هم انکار می‌کند؟ این اشخاص نزد خداوند چه وضعیتی خواهند داشت؟

1- حضرت ابو هریره(رض) روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «خیر يوم طلعت فيه الشمس يوم الجمعة فيه خلق آدم و فيه دخل الجنه و فيه اخرج منها، و لا تقوم الساعه الا في يوم الجمعة» (ترمذی: حسن صحیح) (بهترین روزی که آفتاب در آن طلوع می کند روز جمعه است زیرا در روز جمعه حضرت آدم علیه السلام خلق شدند از آن بیرون شدند و قیامت بر پا نخواهد شد مگر در روز جمعه).  
2- در روایات بطور مرفوع امده است که خداوند در هر روز جمعه ششصد هزار نفر را مورد عفو قرار می دهد و کسی که در روز جمعه بمیرد در آن روز از عذاب قبر محفوظ می ماند.

## حکمت نماز جمعه و فضیلت رفتن به آن:

حکمت تشریع جمعه برای جای دادن به فکر جمعی و تجمع مسلمانان و شناخت پیدا کردن آنها با همیگر و محبت و افت پیدا کردن بین آنها و یادآوری نسبت به دستورات اسلام در رابطه با احکام و اخلاق و ادب و امر به معروف و نهی از منکر و مسائل عمومی اعم از خارجی و داخلی می باشد.

فضیلت رفتن به جمعه بدست آوردن ثواب، بطوری که در روایت آمده است هر قدمی که نماز گزار برای رفتن به ادائی نماز جمعه، از آن ثواب کمایی می‌کند، و سبب عفو گناهی می شود و در حدیثی که ابو هریره(رض) نقل می کند آمده که حضرت محمد صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«من اغتسل يوم الجمعة غسل الجنابه ثم راح فكانما قرب بدنـه و من راح فى الساعه الثانية، فكانما قرب بقره و من راح فى الساعه الثابره فكانما قرب ك بشـاً و من راح فى الساعه الرابعة فكانما قرب دجاجه و من راح فى الساعه الخامسه فكانما قرب بيضه فإذا

**خرج الإمام حضرت الملائكة يستمعون الذكر.**» (متفق عليه) (کسی در روز جمعه غسل کند سپس بسوی محل جمعه حرکت کند ثوابش به اندازه قربانی کردن یک شترمی باشد و کسی که در ساعت دوم حرکت کند به اندازه قربانی کردن یک گاو و کسی که در ساعت سوم حرکت کند به اندازه قربانی کردن یک قوچ و کسی در ساعت چهارم حرکت کند به اندازه قربانی کردن یک مرغ و کسی که در ساعت پنجم حرکت کند به اندازه کردن یک تخ مرغ به ثواب می رسد و وقتی امام جمعه بسوی مسجد حرکت کردند ملائکه برای گوش دادن به میان جمعیت حاضر می شوند.

### **فضائل رفتن به مسجد:**

در حدیثی از ابوهریره (رضی الله عنہ) روایت شده است که پیامبر ﷺ در فرمود: آیا می خواهید شما را به چیزی که خداوند با آن گناهان را محو می کند و درجات را نزد خود بالا می برد راهنمایی کنم؟ صحابه گفتند : بلی یا رسول الله آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: وضوئی کامل و صحیح گرفتن با تحمل سختی و زحمت (در سرما و غیره)، زیاد گام برداشتن بسوی مساجد، و بعد از یک نماز به انتظار نماز دیگر نشستن، اینها رباط است. (به مداومت در راه خدا و پاسداری از حدود و مرزهای اسلامی رباط می گویند).

از ابوسعید خدری رضی الله عنہ روایت شده است که آنحضرت فرمود: هرگاه دیدید مردی به (رفتن سوی) مساجد، انس و عادت دارد، به مؤمن بودن او گواهی دهید؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: «إِنَّمَا يَعْمَرُ مساجِدَ اللَّهِ مِنْ أَمْنِ الْأَخْرَ وَ أَقْامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشُ إِلَّا اللَّهُ» (سوره توبه: آیه ۱۸) ( فقط کسانی مساجد خدا را (از جهت معنوی و مادی) آباد می کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و نماز را برپا می دارند و زکات می پردازند و جز الله از کسی نمی ترسند .

در حدیثی از اوس بن اوس ثقی روایت میکند که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم :

«مَنْ غَسَّلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَاغْتَسَلَ، ثُمَّ بَكَرَ وَابْتَكَرَ، وَمَشَى وَلَمْ يَرْكِبْ، وَدَنَّا مِنْ الْإِلَامِ، فَأَسْتَمَعَ وَلَمْ يَلْغُ، كَانَ لَهُ بِكُلِّ حُطْوَةٍ عَمَلٌ سَنَةً أَجْرٌ صِيَامَهَا وَقِيَامَهَا». (کسی که روز جمعه سرش را شسته و غسل نماید سپس زود به مسجد خود را برساند و به اول خطبه حاضر گردد ، و پیاده رفته و از وسائل نقلیه استفاده نکند و به امام نزدیک شده و به خطبه گوش داده و کارهای بیهوده انجام ندهد. برای هر قدمی که بر می دارد ثواب یک سال روزه و نماز به او داده می شود. (أبو داود في السنن رقم ۳۴۵ قال النوى في المجموع هذا الحديث حسن و قال الهيثمي في مجمع الزوائد رجاله رجال الصحيح، صحيح الترغيب والترهيب رقم ۶۹۰).

### **زنان ونماز جمعه:**

در شرع اسلامی رفتن زنان به مسجد برای نماز جمعه واجب نمیباشد، اما هنگامی که خوف فتنه وجود نداشته باشد، حاضر شدن زنان در نماز جمعه جایز است و به خاطر آن پاداش هم داده میشوند زیرا که واجب نبودن نماز جمعه برای زنان به جهت تخفیف بر آنان بوده است.

## فضیلت دعا در نماز جمعه :

قبل از همه باید گفت که دعا کردن مغز عبادت است، و خود نماز . محتوی آیات قرآنی و نصوص متبرکه تلاوت شده عمدتاً در واقعیت دعا ها آند و دعا کردن بعد از انتهاي نماز مستحب است. از پیا مبر صلی الله عليه وسلم سوال کردند که کدام دعا مستجاب است؟ ایشان جواب دادند: «جوف اللیل و دبر الصلوات المکتوبات» یعنی: دعا در دل شب و بعد از نمازهای فرض.(ترمذی 3499) و البانی آنرا صحیح دانسته است. وقابل ذکر است که دعا بعد از سلام دادن نماز از نزد پیامبر صلی الله عليه وسلم ثابت شده است از جمله: «اللهم أعني على ذكرك وشكرك وحسن عبادتك»(نسایی) یعنی: خداوند! مرا بر ذکر و شکر نعمتها و خوب انجام دادن عبادتت یاری فرماء».

«اللهم إني أسألك علماء نافعا و رزقا طيبا و عملا متقبلا» (ابن ماجه) یعنی: «خدایا از تو علمی نافع و رزقی پاک و عملی قبول شده را طلب می‌کنم».

«اللهم إني أعوذ بك من البخل وأعوذ بك من الجبن، وأعوذ بك أن أرد إلى أرذل العمر، وأعوذ بك من فتنة الدنيا، وأعوذ بك من عذاب القبر» (بخاری) یعنی:

(خداوندا از بخل و ترسوئی و بدترین روزهای زندگی (دوران پیری و از کار افتادگی) و فتنه و آشوب دنیائی و عذاب قبر به تو پناه می‌آورم).

«اللهم أصلح لى دينى الذى هو عصمة أمرى، وأصلح دنياى التى جعلت فيها معاشى: اللهم إني أعوذ برضاك من سخطك، وأعوذ بعفوك من نقمتك وأعوذ بك منك، لا

مانع لما أعطيت، ولا معطى لما منعت، ولا ينفع ذا الجد، منك الجد»

(خداوندا دینم را اصلاح کن که پاکی و پاکدامنی من در آن است . و دنیایم را اصلاح کن که زندگیم در آن است.

خداوندا از خشم تو به خرسندی و رضای تو پناه می‌برم، و از خداوند از خشم تو غضب تو به عفو و گذشت تو پناه می‌برم، و از تو به تو پناه می‌برم. چیزی را که تو عطا کنی، کسی نمی‌تواند مانع آن باشد و چیزی را کسی نمی‌تواند مانع آن باشد و چیزی را که تو منع کنی، کسی نمی‌تواند آن را عطا کند. هیچ بخت و عظمت و ثروتی در پیشگاه تو بندگان را بکار نیاید ، بلکه تنها عمل صالح وکردار شایسته برایشان سودمند واقع می‌شود).

و دعاهای دیگری که در کتب فقه وارد شده اند. و همانطور که گفته شد این دعا ها مستحب هستند و ترک آنها موجب عقاب نیست هر چند شایسته است به تبعیت از پیامبر صلی الله عليه وسلم انجام شوند و اگر بکلی در زندگی ترک شوند جایز نیست و موجب لوم و عتاب تارک دعا کننده خواهد بود.

اما این فضیلت دعا مخصوص بعد از نماز جمعه نیز می‌باشد، ولی آنچه که دعا را در روز جمعه متمایز کرده است ساعت قبول دعا است:

مطابق احادیثی نبوی در شب و روز جمعه ساعتی است که در آن ساعت دعا مستجاب می‌شود چنانکه ابو هریره(رض) در حدیثی میفرماید : «فیه ساعه لا یوافقها عبد مسلم و هو قائم یصلی یسال الله شيئاً الا اعطاه ایاها» ( متفق علیه ) ( در روز جمعه ساعتی وجود دارد که هر کس در حال انتظار نماز و ملازمت آن، در آن لحظه از خدا هر چیزی بخواهد خداوند آنرا به عطا می‌کند) و در مورد آن ساعت علماء اختلاف نظر دارند ولی

از ابی برده در صحیح مسلم ثابت است که آن ساعت، ساعتی است که امام بر منبر قرار می‌گیرد تا وقتی که نماز را اداء می‌نماید.

همچنان در حدیثی از ابی بُردةَ بنَ ابِي مُوسَى الْأَشْعَرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، روایت است: «ابنُ عُمرَ رضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا: أَسْمِعْتَ أَبَاكَ يُحَدِّثُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي شَأْنِ سَاعَةِ الْجُمُعَةِ؟ قَالَ: قَلْتُ: نَعَمْ، سَمِعْتُهُ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «هِيَ مَا بَيْنَ أَنْ يَجْلِسَ الْإِمَامُ إِلَى أَنْ تُقْضَى الصَّلَاةُ» (رواه مسلم). ) یعنی: از ابو برده بن ابی موسی اشعری رضی الله عنہ روایت شده که گفت: ابن عمر رضی الله عنہما گفت: آیا شنیدی که پدرت در مورد ساعت جمعه از رسول الله صلی الله علیه وسلم چیزی را صحبت کند؟ گفت: گفتم: آری، از وی شنیدم که می گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: آن میان نشستن امام است تا آنکه نماز ادا شود. لذا برخی از علماء گفته اند؛ این ساعت مابین دو خطبه نماز جمعه هنگام جلوس امام است.

### جمعه کفاره گناهان:

در حدیثی از ابی مالکِ الأَشْعَرِ رضی الله عنہ آمده است : «الْجُمُعَةُ كَفَارَةٌ لِمَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ الَّتِي تَلِيهَا وَزِيَادَةٌ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٌ وَذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا». (طبرانی فی الكبير، صحيح الترغیب و الترهیب رقم ۶۸۵) روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: جمعه، کفاره گناهان همان جمعه تا جمعه بعدی به همراه سه روز دیگر است. زیرا خداوند متعال می فرماید: کسی که یک نیکی انجام دهد ده برابر آن برای او به حساب می آورد.

### وقت نماز جمعه:

وقت نماز جمعه همان وقت نماز ظهر است و قبل از آن نیز جایز است: در این مورد مراجعته مینماییم به حدیثی از انس بن مالک رضی الله عنہ که می فرماید: «أَنَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَصْلِي الْجَمْعَةَ حِينَ تَمَيلُ الشَّمْسِ» (پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز جمعه را هنگام زوال آفتاب می خواند).

از جابر بن عبد الله روایت است که: از او سؤال شد چه وقتی پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز جمعه را می خواند؟ گفت: «كَانَ يَصْلِي ثُمَّ نَذْهَبُ إِلَى جَمَالَنَا فَرِيحَهَا حِينَ تَزُولُ الشَّمْسِ» (نماز جمعه را می خواند سپس نزد شترانمان می رفته و هنگام زوال آفتاب آنها را باز می گرداندیم).

نماز جمعه بر کی فرض است؟

- 1- اسلام
  - 2- بلوغ
  - 3- عقل
  - 4- آزادی
  - 5- مردبودن
  - 6- سلامتی بدن
  - 7- در محل برگزاری جمعه مقیم بودن
- نماز جمعه بر غیر مسلمان و کودکان و دیوانه و کسی که اختیار خود را ندارد اعم از

برده و اسیر و کسی که مسافر است واجب نیست. (به استثنای مسافری که روز جمعه بعد از آذان صبح به سفر رفته باشد).

در حدیثی از طارق بن شهاب روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «الجمعة حق واجب على كل مسلم في جماعة إلا أربعة، عبد مملوك أو امرأة أو صبي أو مريض» «خواندن نماز جمعه همراه با جماعت بر هر فرد مسلمانی واجب است، مگر بر چهار گروه؛ بردهای که در مالکیت سیدش است، زن، کودک، و شخص مريض ». از ابن عمر روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «ليس على المسافر الجمعة (جمعه بر مسافر واجب نیست)».

### تشویق بر خواندن نماز جمعه:

نماز جمعه که بحیث عید و مراسم اجتماعی هفتگی مسلمانان بشمار میروند از مقام و منزلت خاصی در اسلام برخوردار میباشد ، با خاطر اینکه «نماز جمعه» نه تنها یک عبادت، بلکه مظہر وحدت مسلمین و شکوه و عظمت اسلام است ، و مسلمان به حضور در نماز جمعه تشویق گردیده است .

در حدیثی از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «من اغتسل ثم أتى الجمعة فصلى ما قدر له، ثم أنصت حتى يفرغ من خطبته، ثم يصلى معه غفرله ما بينه و بين الجمعة الأخرى و فضل ثلاثة أيام» (هر کس در روز جمعه غسل کند و به نماز جمعه برود و آنچه برای او مقدر شده نماز بخواند؛ سپس تا فراغت (امام) از خطبه سکوت کند، سپس با او نماز بخواند، گناهان (صغریه) بین این جمعه و جمعه دیگر شن و سه روز اضافه بر آن بخشوده میشود).

همچنین در حدیثی دیگری حضرت ابوهریره روایت نموده که : پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموداست : «الصلوات الخمس، و الجمعة إلى الجمعة، و رمضان إلى رمضان مكرفات ما بينهن إذا اجتنبت الكبائر» «نمازهای پنجگانه و جمعه تا جمعه و رمضان تا رمضان، گناهان بین خود را از بین میبرند به شرطی که از گناهان کبیره دوری شود».

### خواندن نماز جمعه در مسجد جامع:

در حدیثی از حضرت بی بی عایشه روایت است : «كان الناس ينتابون يوم الجمعة من مناز لهم و العوالى و ...» «مردم گاهی از مناز لشان که در قریجات اطراف و حوالی (که در فاصله چهار مایلی و بیشتر از مدینه بودند) برای جمعه (به مدینه) میآمدند». از زهری روایت است که : (أن أهل ذى الحليفة كانوا يجتمعون مع النبي صلی الله علیه و سلم و ذلك على مسيرة ستة أميال من المدينة) «اهل ذو الحليفة با پیامبر صلی الله علیه و سلم جمعه میکردند و ذو الحليفة در فاصله شش مایلی مدینه قرار داشت».

از عطاء بن ابی رباح روایت است : «كان أهل منى يحضرون الجمعة بمكة» «اهل منی برای نماز جمعه به مکه میآمدند».

حافظ ابن حجر در تلخیص (2/55) گوید: «نقل نشده که پیامبر صلی الله علیه و سلم به کسی اجازه داده باشد تا در یکی از مساجد مدینه یا روستاهای از روستاهای نزدیک آن نماز جمعه برگزار کند».

## دعا و اذکار مستحب در روز جمعه:

آنچه که دعا را در روز جمعه متمایز کرده است حدیث صحیحی از پیامبر صلی الله علیه وسلم است که: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَكَرَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَقَالَ: «فِيهَا سَاعَةٌ لَا يُؤْفِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ، وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي يَسْأَلُ اللَّهَ شَيْئًا، إِلَّا أَعْطَاهُ إِيَّاهُ» وَأَشَارَ بِيَدِهِ يُقْلِلُهَا،» (متفقٌ عليه). از ابو هریره رضی الله عنہ روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم روز جمعه را یاد کرده و فرمود: در آن ساعتی که هیچ بندۀ مسلمانی که ایستاده نماز می گزارد، با آن برابر نمی شود در حالیکه از خداوند چیزی را می طلب، مگر اینکه آن را بتوانی دهد و به دستش اشاره نمود که آن را کم می شمرد.

همچنان در حدیثی از ابی بُرْدَةَ بْنِ ابْنِ مُوسَى الْأشْعَرِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، روایت است: «أَسْمَعْتُ أَبَاكَ يُحَدِّثُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي شَأْنِ سَاعَةِ الْجُمُعَةِ؟ قَالَ: قلت: نعم، سَمِعْتُهُ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «هَىَ مَا بَيْنَ أَنْ يَجِلِّسَ الْإِمَامُ إِلَى أَنْ تُقْضَى الصَّلَاةُ» (رواه مسلم). یعنی: از ابو بردۀ بن ابی موسی اشعری رضی الله عنہ روایت شده که گفت: ابن عمر رضی الله عنہما گفت: آیا شنیدی که پدرت در مورد ساعت جمعه از رسول الله صلی الله علیه وسلم چیزی را صحبت کند؟ گفت: گفتم: آری، از وی شنیدم که می گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود:

آن میان نشستن امام است تا آنکه نماز ادا شود.  
لذا برخی از علماء گفته اند؛ این ساعت مابین دو خطبه نماز جمعه هنگام جلوس امام است.

1- صلوات و سلام بسیار بر پیامبر صلی الله علیه وسلم فرستادن:  
از اووس بن اووس روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «إِنَّ مِنْ أَفْضَلِ أَيَامِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فِيهِ خَلْقُ آدَمَ، وَفِيهِ قَبْضَةٌ، وَفِيهِ النَّفْخَةُ، وَفِيهِ الصَّعْقَةُ، فَأَكْثَرُوا عَلَى مِنَ الصَّلَاةِ فِيهِ فَإِنْ صَلَاتُكُمْ مَعْرُوضَةٌ عَلَى، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَكَيْفَ تَعْرُضُ عَلَيْكَ صَلَاتُنَا وَقَدْ أَرْمَتَ؟ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَ حَرَمَ عَلَى الْأَرْضِ أَنْ تَأْكُلَ أَجْسَادَ الْأَنْبِيَاءِ» «به راستی از بهترین روزهای شما روز جمعه است، که در آن آدم خلق شده، و در آن فوت کرده، و دو صور (که با یکی می میرند و دیگری زنده می شوند) در آن دمیده می شود، پس در روز جمعه بسیار صلوات بر من بفرستید که صلوات شما بر من عرضه می شود، گفتند: ای رسول خدا! چگونه صلوات ما بر تو عرضه می شود در حالی که جسد تو پوشیده است؟ فرمود: خداوند بر زمین حرام کرده که اجساد پیامبران را بخورد (از بین ببرد)».

2- خواندن سوره کهف:

از ابوسعید خدری روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «مِنْ قَرْأَةِ سُورَةِ الْكَهْفِ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ أَضَاءَ لَهُ مِنَ النُّورِ مَا بَيْنَ الْجَمِعَتَيْنِ» «کسی که در روز جمعه سوره کهف را بخواند در فاصله بین دو جمعه نوری برایش روشن می شود».

3- دعای زیاد به امید مصادف شدن با ساعت اجابت دعا:

در حدیثی از جابر رضی الله عنہ روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم- فرمود: «يَوْمُ الْجُمُعَةِ اثْنَتَا عَشْرَةً سَاعَةً، لَا يَوْجِدُ فِيهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَ شَيْئًا إِلَّا أَتَاهُ»

فالتمسوها آخر ساعه بعد صلاة العصر» (روز جمعه دوازده ساعت است (در این میان ساعتی هست که) هر بندۀ مسلمانی در آن ساعت از خداوند چیزی بخواهد حتما به او می‌دهد، آن را در آخرین ساعت روز جمعه بعد از نماز عصر جستجو کنید».

## آذان در روزه جمعه:

در روز جمعه دو آذان گفته می‌شود. آذان اول آن اعلام وقت نماز جمعه و آذان دوم آن وقتی که امام جمعه بر روی منبر قرار می‌گیرد گفته می‌شود. به هنگام ایراد خطبه از سوی امام جمعه، خواندن هر نوع نماز و صحبت کردن حرام می‌باشد.

در حدیثی از سائب بن یزید رضی الله عنه روایت است: «كَانَ النِّدَاءُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوَّلُهُ إِذَا جَلَسَ الْإِمَامُ عَلَى الْمِنْبَرِ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، فَلَمَّا كَانَ عُثْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَكُثُرَ النَّاسُ زَادَ النِّدَاءُ التَّالِثُ عَلَى الزَّوْرَاءِ».

(بخاری: 912) (در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم ، ابوبکر رضی الله عنہ و عمر رضی الله عنہ آذان جمعه همان آذان اول بود که در پیشوای منبر گفته می شد آنهم وقتی که امام برای ایراد خطبه، بالای منبر می رفت.

اما در زمان خلافت عثمان رضی الله عنہ وقتی جمعیت زیاد شد، آذان سوم بالای زوراء گفته شد و اضافه گردید.

اصل در نماز جمعه و آذان آن، آذانی است که در مقابل امام گفته شده و باصطلاح، آذان دوم جمعه است. زیرا آذان دوم، تنها آذانی است که در عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم گفته شده و بیع و شراء را و سایر چیزهایی که مانع از سعی به نماز جمعه هستند، حرام می‌گرداند. همچنین در عهد خلافت حضرت ابوبکر و عمر رضی الله عنهم نیز فقط یک آذان گفته شده و آن نیز آذانی است که در مقابل امام جمعه گفته می‌شود.

اما در زمان خلافت حضرت عثمان رضی الله عنہ به علت کثرت مسلمین و اجتماع عظیم آنان برای اداء نماز جمعه، آذان اول که در مئذنه (مناره) گفته می‌شود، مشروع گردیده است.

آذان اول برای فراخوانی عمومی مردم برای شرکت در نماز جمعه گفته می‌شود. این عمل حضرت عثمان رضی الله عنہ اگرچه در عهد رسول الله صلی الله علیه وسلم و در زمان شیخین رضی الله عنهم موجود نبوده است، اما هیچ یک از آحاد امت منکر آن نشده و آن عمل را رد ننموده اند. لذا به آن اجماع کرده و یکی از سنتهای ماندگار برای این امت به یادگار مانده است.

و ما مسلمین تابع سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین هستیم، چرا که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «...فَعَلَيْكُمْ بِسُنْتِنِي وَسُنْنَةِ الْخَلْفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ، تَمَسَّكُوا بِهَا وَعَضُوا عَلَيْهَا بِالنَّوْاجِذِ..». (ابو داود - امام احمد-ترمذی- ابن ماجه- صحیح).

یعنی: ...پس بر شما باد به پیروی از سنت من، و سنت خلفای راشدین که آنها هدایت کنندگان اند، بر آن با دندانهای کرسی خویش گزیده و آنرا محکم گیرید.

## **سنت های روز جمعه:**

سنت را که یک فرد مسلمان آنرا باید رعایت کند عبارت است از :

1- غسل کردن

2- عطر زدن

3- پوشیدن تازه ترین لباس و در صورت امکان لباس سفید

4- در صورت ممکن رفتن به مسجد غرض ادای نماز جمعه بصورت پیاده و آرام

5- جای گرفتن ، نزدیک امام

6- در طول راه به قرائت قرآن و ذکر مشغول بودن

7- نظافت کلی بدن

8- ناخن گرفتن

9- کوتاه کردن سبیل

10- خواندن سوره کهف

11- دعاکردن

12- صلوات فرستادن

13- هفت بار خواندن سوره اخلاص و معوذتین بعد از سلام دادن امام

## **مکروهات جمعه:**

1- خواندن نماز ظهر به جماعت

2- شرکت در هر مجلسی در وقت جمعه

3- حرف زدن در وقت خطبه ها

4- بلندکردن کسی و نشستن در جای او

5- قدم برداشتن بر روی مردم برای رسیدن به صفاتی اولی نماز جمعه .

## **قضای نماز جمعه:**

طبق رای و نظر همه علماء با رسیدن وقت نماز عصر فرصت ادای جمعه تمام شده و تنها فرضی است که قضای نماز شود و قابل جبران نمی باشد و در صورت برگزار نشدن نماز جمعه در وقت آن باید نیت نماز ظهر را آورده و چهار رکعت بخواند.

## **ادای نماز ظهر در روز جمعه:**

کسانی که نماز جمعه بر آنها واجب است ولی شرکت نمی کنند طبق قول اصح تا بعد از ادای مراسم جمعه حق ادای نماز ظهر را ندارند و اگر کسی در وقت ادای جمعه نماز ظهر خواند بعداً باید آن را اعاده کند ولی کسانی که گفته شد جمعه بر آنها واجب نیست می توانند در وقت جمعه نماز ظهر را ادا نمایند ولی برای آنها نیز مستحب است تا بعد از ادای جمعه صبر کرده آنگاه نماز ظهر را ادا نمایند.(فقه اسلامی جلد 2 صفحه 1333).

## **بدعت های شب و روز جمعه:**

1- گفتن الفاتحه بعد از آذان در طول شب و روز جمعه

2- خواندن حدیث عن ابی هریره(رض) قال: قال رسول الله(ص) الجمعة... قبل از آذان

3- گفتن (صلوشه الجمعة) توسط مؤذن بعد از آذان اول.

## مقام و منازل خُطبَةِ جمَعَةٍ خُطبَةٌ:

قبل از همه باید گفت که خطبَه در روز جمعَه واجب است؛ چون از یک طرف پیامبر صلی الله علیه و سلم در تمام جمعَه‌ها آنرا می‌خواند و هیچوقت آنرا ترك نمی‌کرد . مطابق روایت محدثین روش پیامبر صلی الله علیه و سلم در خطبَه این بود که : «إن طول صلاة الرجل و قصر خطبته مئنة من فقهه فأطيلوا الصلاة و أقصروا الخطبة و إن من البيان لسحرا » ( طولانی بودن نماز خطیب و کوتاه بودن خطبَه‌اش نشانه‌ای از فقیه بودن او است؛ پس نماز را طولانی و خطبَه را کوتاه کنید و به راستی که برخی سخنان سحرآمیزند).

در حدیثی از جابر بن سمره روایت است : « كُنْتُ أَصْلَى مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصلوات، فَكَانَتْ صَلَاتُهُ قَصْدًا، وَخُطْبَتُهُ قَصْدًا» ( نمازها را با پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌خواندم، در نماز و خطبَه‌اش حد وسط را رعایت می‌کرد).

همچنان در حدیثی از جابر بن عبد الله روایت است : « كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا خَطَبَ أَحْمَرَتْ عَيْنَاهُ وَعَلَّ صَوْتُهُ وَأَشْتَدَ غَضْبُهُ كَانَهُ مِنْذَرٌ جَيْشٌ يَقُولُ صَبَحُكُمْ وَمَسَاكِمْ » «پیامبر صلی الله علیه و سلم وقتی خطبَه می‌خواند چشمانش سرخ و صدایش بلند می‌شد و عصبانیت شدت پیدا می‌کرد انگار از آمدن لشکری هشدار می‌دهد و می‌گوید : دشمن صبح و شام به شما حمله می‌کند».

## خُطبَةِ نَمَازِ جَمَعَةٍ:

علماء می‌گویند که در ایراد خطبَه نماز جمعَه ، لازم نیست که امام از جملات خاصی برای ایراد خطبَه استفاده بعمل ارد ، بلکه کافیست خطبَه‌ی خود را با « خطبة الحاجه » شروع نماید که بصورت زیر است:

## خطبَه حاجت:

پیامبر صلی الله علیه و سلم خطبَه‌ها و موعظَه‌ها و درسهاش را با این خطبَه که به خطبَه حاجت معروف است شروع می‌کرد :

« إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ، وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ رُؤُسَنَا وَسَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضْلِلٌ لَهُ، وَمَنْ يَضْلِلُ فَلَا هَادِيٌ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ». « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقْوَاتِهِ وَلَا تَمُوْتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ » (آل عمران : 102)

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ، اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَ مِنْهُمَا رَجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا » (سوره نساء : 1)

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يَصْلِحُ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزاً عَظِيمًا » (احزاب : 70 و 71)

أمّا بَعْدُ :

«إِنَّ أَصْدِقَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ، وَخَيْرُ الْهُدَى، هُدَىٰ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَشَرِيكِي نَدَارِدَ وَشَهَادَتِي مَدْهُومٌ بِهِيجِ مَعْبُودٍ بِرَحْقِي غَيْرِ إِذِ اللَّهِ نَيْسَتْ، يَكْتَأِي نَدَارِدَ وَشَهَادَتِي مَدْهُومٌ كَهْ مُحَمَّدٌ بَنْدَهُ وَفَرِستَادَهُ اُو استَ». ترجمه: «سپاس و ستایش تنها لایق خداست، او را شکر می‌گوییم و از او یاری می‌جوییم و از او طلب آمرزش می‌کنیم، و پناه می‌بریم به خدا از شرارت نفسهایمان و از بدیهای اعمالمان، هر کسی که خداور اهدایت کند گمراه کنندهای برایش نیست، و کسی را که گمراه کند، هدایت کنندهای برایش نیست».

«و شهادت می‌دهم که هیچ معبد بر حقی غیر از الله نیست، یکتا است، شریکی ندارد و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده او است».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید آنچنانکه باید از الله بترسید و نمیرید مگر آنکه مسلمان باشید».

«ای مردمان از (خشم) پروردگارستان بپرهیزید، پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید و (سپس) همسرش را از نوع او آفرید و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت، و از (خشم) خدایی بپرهیزید که همدیگر را بدو سوگند می‌دهید و بپرهیزید از اینکه پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید، (وصله رحم را نادیده گیرید) زیرا بیگمان خداوند مراقب شما است».

«ای مؤمنان از خدا بترسید و سخن حق و درست بگویید، در نتیجه خدا (توفيق خيرتان می‌دهد و) اعمالتان را اصلاح می‌کند و گناهاتتان را می‌بخشاید هر کس که از الله و پیامبرش فرمانبرداری کند قطعاً به پیروزی و کامیابی بزرگی دست می‌یابد».

«اما بعد راستترین سخن، کتاب خدا است و بهترین روش و سنت، روش و سنت محمد صلی الله علیه و سلم است و بدترین امور چیزهای ساختگی است و هر ساخته شده‌ای (در دین) بدعت و هر بدعتی گمراهی و هر گمراهی در آتش است».

## زبان خطبه :

پس از خواندن خطبه حاجت امام هر دو خطبه را با زبان محلی خود ادامه دهنده بدون اینکه مقید به الفاظ و عبارات خاصی باشد.

اما برخی از علماء و اهل علم خطبه به زبان غیر عربی را منع کرده اند. به خاطر، میل و رغبتیشان به بقای زبان عربی و محافظت آن، و بدلیل حرکت بر مسیر رسول الله صلی الله علیه وسلم و اصحابش که خطابه هایشان را در سرزمین های غیر عربی، با زبان عربی ارائه می‌دادند و همچنین ترغیب نمودن مردم برای یادگیری زبان عربی و اهمیت به آن.

ولی برخی از اهل علم ایراد خطبه جمعه به زبان غیر عربی را در بین کسانیکه اکثرا زبان عربی بلد نیستند، جایز شمرده اند. تا به مردم آنچه که خداوند از احکام برای آنها تشریع کرده و نیز گناه و معصیت هایی که خداوند از ارتکاب آنها منع شان کرده تفهیم نمایند و آنها را به اخلاق و صفات پسندیده راهنمایی کرده و از اخلاق و صفات خلاف آن باز دارند.

شکی نیست که مراجعات معانی الفاظ و رسوم، مخصوصاً در جایی که مخاطبان یا اکثر آنها به زبان عربی مسلط نیستند و خطبه عربی (به دلیل آنکه آن را نمی‌فهمند) در آنها هیچ اثری نمی‌کند، دارای اولویت بوده و از تعلیم عربی واشتیاق به کارگیری

و محافظت بر آن مقدم و واجبتر است. چرا که (اگر در آن شرایط خطبه به عربی خوانده شود) هدف، که آموزش مردم است، محقق نشده. و همچنین هدف از بقا بر زبان عربی نیز محقق نمی شود. و بنابراین بر کسی که تأمل کند، معلوم می شود که؛ رای مبني بر جواز ترجمه وارائه خطبه به زبان های غیر عربی که بین مخاطبین آن رایج است و به وسیله آن تفکر کرده و مراد و مفهوم خداوند را می فهمند، مستحق تر به تبعیت است.

خصوصا هنگامی که عدم ترجمه موجب نزاع و خصوصیت شود. پس شکی نیست که در چنین حالتی برای دست یابی به مصلحت واز بین رفتن مفاسد؛ ترجمه لازم واجباری می شود و اگر میان مخاطبان کسی باشد که زبان عربی را بداند برای خطیب مشروع است که با دوزبان خطبه بخواند یعنی با عربی خطبه بخواند و بعدا آن را به زبان دیگری که سایرین می فهمند نیز ایراد کند و بدین وسیله بین دو مصلحت جمع می شود و تمام مضرات از بین رفته و نزاع بین مخاطبین نیز پایان می یابد. و بر این دیدگاه ما، دلایل زیادی از شرع وجود دارند.

### یادداشت:

کسی که در خطبه های پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب او دقت کند در می یابد که خطبه های آنها در برگیرنده مطالبی است از قبیل بیان هدایت، توحید، ذکر صفات پروردگار، اصول کلی ایمان، دعوت به سوی خدا، ذکر نعمتهای الهی؛ نعمت هایی که باعث محبت الله تعالی در قلب بندگانش می شود، و روز هایی که آنها را از عذابش می ترساند.

همچنین در می یابد که پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب در خطبه های خود مردم را به ذکر و شکر امر کرده اند، ذکر و شکری که موجب پیدایش محبت خداوند در قلب آنها می شد، و طوری عظمت و اسماء و صفات خدا را ذکر می کردند و مردم را به طاعت و شکر و ذکر دعوت می نمودند که قلب آنها مملواز محبت به خدا می شد به طوری که شنوندگان جلسه را ترک می کردند در حالی که خدا را دوست داشتند و خدا هم آنها را دوست داشت.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در خطبه هایش بسیار قران می خواند خصوصاً سوره «ق» را (زاد المعاد (1/116))، ام هشام بنت حرث بن نعمان گوید: «ما حفظت ق إلا من في رسول الله صلی الله علیه وسلم مما يخطب بها على المنبر» «سوره ق را حفظ نکردم مگر از زبان پیامبر صلی الله علیه وسلم که هنگام خطبه بسیار آنرا بر منبر تکرار می کرد». متفق علیه.

### ایجاد فضای آرامش در حین خطبه:

جمهور علماء برای مامومین ساكت شدن بهنگام ایراد خطبه را واجب و سخن گفتن را در آن هنگام حتی حرام می دانند اگر چه سخن گفتن درباره امر به معروف و نهی از منکر باشد، خواه خطبه را بشنوید یا نشنود.

از ابن عباس روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «من تکلم يوم الجمعة والامام يخطب فهو كالحمار يحمل أسفارا، والذى يقول له أنصت لا جمعة له» (هر کس روز جمعه در حالی که امام مشغول ایراد خطبه است، سخن گوید، او

همچون خری است که یکبار کتاب بر وی حمل کرده باشند، و آنکس که به وی می‌گوید، ساكت باش، نماز جمعه‌اش کامل نیست) (احمد و پسر ابوشیبیه و بزار و طبرانی آن را روایت کردند. (حافظ در «بلغ المرام» گفته است: در اسناد آن اشکالی نیست.

از عبدالله پسر عمرو روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «یحضر لجمعة ثلاثة نفر: فرجل حضرها يلغو فهو حظه منها، ورجل حضرها يدعوه، فهو رجل الله دعا إن شاء أعطاه وإن شاء منعه، ورجل حضرها بإنصات وسكت ولم يخطر رقبة مسلم ولم يؤذ أحداً فهى كفاره إلى الجمعة الت تليها وزيادة ثلاثة أيام» و در آیه زیر می فرماید: «من جاء بالحسنة فله عشر أمثالها» احمد و ابوداود با اسناد جيد آن را روایت کردند. یعنی، (کسانی که در نماز جمعه حاضر می‌شوند، سه دسته هستند: گروهی سخن می‌گویند و سهم شان از جمعه همان سخن گفتن پوچ است. گروهی حاضر به نماز جمعه می‌شوند و دعا می‌کنند و الله را می‌خوانند بستگی به مشیت خداوند دارد، که دعایشان را اجابت کند یا نکند، و گروهی به نماز جمعه می‌آیند، که ساكت و آرام می‌شینند و گوش می‌دهند و صفات مردم را، بهم نمی‌زنند و مزاحم مردم نمی‌شوند، نماز جمعه این گروه، کفاره و توازن‌گناهان این هفته تا هفته بعدی بعلوه سه روز دیگرانشان می‌باشد). چه در قرآن آمده است: «هر کس یک عمل خوب انجام دهد پاداش آن ده برابراست». ابو هریره می‌گوید، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «إذا قلت لصاحبك يوم الجمعة والامام يخطب أنصت فقد لغوت» (هرگاه روز جمعه بهنگام خطبه امام، به دوستت گفتی: گوش بد و ساكت باش، تو نیز سخن لغو و پوچ گفته‌ای). به روایت گروه محدثین جز ابن ماجه.

از ابوالدرداء روایت است که گفته: پیامبر صلی الله علیه وسلم بر منبر نشست و در ضمن خطبه آیه‌ای را قرائت کرد، در کنار من ابی پسر کعب بود و به وی گفتم:

ای ابی کی این آیه نازل شده است؟ او امتناع ورزیدکه با من سخن‌گوید، سپس دوباره از او سوال نمودم او به من جواب نداد، تا اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم از منبر پایین آمد، آنوقت ابی به من گفت: سهم تو از این جمعه، فقط همین حرف زدن شما بود. چون پیامبر صلی الله علیه وسلم برگشت، پیش او رفتم و این مسئله را با وی در میان گذاشتم، فرمود: «صدق ابی، إذا سمعت إمامک يتكلم فانصت حتى يفرغ» (ابی راست گفته است، هرگاه شنیدی که امام سخن می‌گوید، به وی گوش فرا ده تا اینکه سخنش پایان می‌پذیرد). به روایت احمد و طبرانی.

### دعاء در بین دو خطبه:

در شرع اسلام در بین دو خطبه نماز جمعه دعای خاصی وجود ندارد، ولی نظر برخی از علماء بر اینست که در این موقع دعاء مستجاب است، لذا می‌تواند هر دعایی که بخواهد بین این دو خطبه بخواند.

ثبت شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در نماز جمعه دو خطبه می‌خوانند که

مابین آن دو خطبه مدت زمان کمی بر روی منبر می نشستند.

از عبدالله این عمر رضی الله عنهم روایت است که گفت: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْطُبُ حُطْبَتَيْنِ يَقْعُدُ بَيْنَهُمَا» رواه البخاری (928). یعنی: پیامبر صلی الله علیه وسلم دو خطبه می خواند که بین آن دو می نشستند.

اما باید متوجه بود که هیچ اثری از پیامبر صلی الله علیه وسلم و یا اصحاب کرام رضی الله عنهم وارد نشده است که بیانگر آن باشد که آنها در این فاصله‌ی کم، ذکر یا دعای خاصی کرده باشند.

و این علماء رحمهم الله هستند که فرموده اند دعا خواندن در آن فاصله مستحب است. و دلیل آنها هم بر استحباب آن، ورود دعای خاصی از پیامبر صلی الله علیه وسلم یا توصیه‌ی رسول الله صلی الله علیه وسلم برای دعا کردن در آن وقت مشخص نبوده است، بلکه آنها با استناد به وجود (ساعت اجابت) در روز جمعه فرموده اند که دعا خواندن در آن وقت مستحب است چه بسا آن ساعتی که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده که دعا در آن مستجاب است، همان لحظه باشد.

در حدیثی از جابر رضی الله عنہ روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم، فرمود: «يَوْمَ الْجُمُعَةِ اثْنَا عَشَرَةِ سَاعَةً، لَا يَوْجِدُ فِيهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ يَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَ شَيْئًا إِلاَّ أَتَاهُ، فَالْتَّمَسُوهَا أَخْرَى سَاعَةً بَعْدِ صَلَاةِ الْعَصْرِ» ابو داود (1048) ونسائی (1389). «روز جمعه دوازده ساعت است (در این میان ساعتی هست که) هر بندۀ مسلمانی در آن ساعت از خداوند چیزی بخواهد حتماً به او می‌دهد، آن را در آخرین ساعت روز جمعه بعد از نماز عصر جستجو کنید». ابو داود و نسائی و حاکم آن را روایت کرده‌اند و لفظ حدیث روایت نسائی است.

اما برخی از علماء با استناد به حدیثی دیگر، گفته اند که آن ساعت اجابت بعد از نماز عصر نیست، بلکه احتمالاً در فاصله‌ی بین دو خطبه باشد و لذا حکم به استحباب دعا کردن در آن لحظه کرده اند. دلیل آنها حدیث زیر است:

ابوموسی اشعری رضی الله عنہ گفت: «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ يَعْنِي فِي سَاعَةِ الْجُمُعَةِ: «هَيَّا مَا بَيْنَ أَنْ يَجْلِسَ الْإِمَامُ إِلَى أَنْ تُقْضَى الصَّلَاةُ» (یعنی: از رسول خدا صلی الله علیه وسلم شنیدم که (درباره‌ی ساعت اجابت روز جمعه) می فرمود: آن ساعت مابین لحظه ایست که امام می نشیند تا آنکه نماز بپایان می‌رسد. (یعنی از لحظه ایکه امام بین دو خطبه می نشیند بعد خطبه‌ی دوم را شروع کرده و بعد نماز را اقامه می‌کنند).

و کسانی که این رای اخیر را ترجیح داده اند می‌توان به: حافظ ابن حجر، بیهقی و ابن‌العربی، و قرطبی و نووی اشاره نمود.

اما کسانی که گفته اند آن ساعت اجابت از بعد از نماز عصر است، می‌توان به: أبو هریرة رضی الله عنہ ، و عبد الله بن سلام رضی الله عنهم، امام احمد، ابن عبدالبر، و اسحاق، و طرطوشی (از علمای مالکی) و ابن زملکانی (از شافعی) و نصی از شافعی هم در این مورد وجود دارد.

و از ابوسلمه بن عبدالرحمن روایت است که: گروهی از یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم فراهم آمده بودند و درباره آن لحظه مبارک روز جمعه سخن

می‌گفتند و از هم پراکنده شدند در حالی که با هم اختلاف نداشتند در اینکه آن لحظه در آخرین ساعت روز جمعه است.

سعید بن منصور آن را در سنن خود با سند صحیح روایت کرده است. پس قائلین این رای بیشتر هستند. (رجوع کنید به: «فتح الباری» (2 / 421).

بعارتی دیگر ما بین علماء در تعیین آن ساعت اجابت اختلاف نظر است و هرگدام دلایل خاص خود را دارند: برخی از علماء فرموده اند که آن ساعت در فاصله‌ی بین آذان جمعه تا پایان نماز است، و برخی دیگر فرموده اند که از وقت نماز عصر تا غروب آفتاب می‌باشد.

و حتی قول دیگری از علماء منقول است که آن لحظه‌ی اجابت، آخرین ساعت روز جمعه است. در آخرین ساعات روز جمعه در دعا کردن بسیار کوشش نمودن نیکو است. از عبدالله بن سلام روایت است که در مجلسی که پیامبر صلی الله علیه و سلم نشسته بود، من گفت: در کتاب خداوند است که در روز جمعه ساعتی است، اگر بندۀ مومن در آن ساعت نماز بگزارد و در آن ساعت از خداوند چیزی را بخواهد، خداوند نیاز‌وی را برآورده می‌کند.

عبدالله گفت: پیامبر صلی الله علیه و سلم به من اشاره کرد و فرمود: ساعتی یا بعضی از ساعت. من گفت: راست می‌فرمایی یا بعضی از ساعت گفت: ای پیامبر صلی الله علیه و سلم کدام ساعت است؟ فرمود:

«آخر ساعه من ساعات النهار» آخرین ساعت از ساعات روز گفت: در آنوقت نمی‌توان نماز خواند (نماز در آن ساعت مکروه است).

فرمود: «إن العبد المؤمن إذا صلى ثم جلس لا يجلس إلا الصلاة فهو في صلاة» (بی گمان بندۀ مومن، هرگاه نماز گزارد و بعد از آن نماز نشست، و این نشستن او بانتظار نماز باشد، نماز بحساب می‌آید. چون او نشسته و دعا می‌کند). (به روایت ابن ماجه).

و امید که همه‌ی آن اوقات لحظه‌ی اجابت دعا عباشد و لذا برخی از علماء چنین فتوا داده اند که شخص مسلمان باید در کل روز جمعه اللخصوص آن دو لحظه برای دعا کردن حریص باشد.

شیخ ابن باز بر این رای هستند و شیخ ابن عثیمین هم می‌گوید: «امیدوارم که ساعت اجابت در وقت نماز باشد». (فتاوی الشیخ ابن باز) (401 / 12 ، 402) و (دروس وفتاوی الحرم المدنی لشیخ عثیمین عام 1416هـ)

اما جدا از تعیین زمان اجابت دعا در روز جمعه، گفتیم که برخی از علماء فرموده اند که دعا کردن در لحظه‌ی ما بین دو خطبه‌ی امام، یعنی آن زمانی که امام می‌نشیند، مستحب است. اما با این وجود هیچ حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و سلم وارد نشده که دعای ماثوری از ایشان را ثابت کند.

بنابراین نباید آن لحظه را بعنوان سنتی مؤکده جهت خواندن دعا تعیین کرد. و چه بسا کسانی از نماز گزاران دعا نخوانند و عمل آنها جایز است و حتی سخن گفتن در این لحظه در صورت نیاز جایز است.

شیخ عثیمین رحمه الله در مورد اینکه در لحظه (بین دو خطبه) دعای معینی از سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم وجودارد؟ فرمودند: در آن لحظه ذکر یا دعای مخصوصی وجود ندارد، اما انسان می تواند هر آنچه که خواست دعا کند، و این به خاطر آنست که آن وقت (جزء وقتهای) اجابت است.

و باز می گوید: « دعا در آن لحظه نیک و مستحب است، زیرا آن وقت، لحظه‌ی ای است که امید اجابت دعا می رود، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده اند که در روز جمعه لحظه است که هر بندۀ مسلمانی، در آن لحظه چیز نیکویی از خداوند، طلب کند، خدا آن را به وی می دهد.»

### **نماز جمعه و نه فهمیدن خطبه امام :**

یکی از حکمت های بی نهایت عالی که در نماز جمعه وجود ، تدریس درسی امام واپرداد خطبه نماز جمعه است .

خطبه نماز روز جمعه نزد اکثریت مطاقی از علماء اسلام واجب میباشد .

ولی ما فغانها ای که در کشور های غربی واروپایی مهاجر و زندگی مینمایم ، زیاتر ما در مناطق مسکن گزین شده ایم که از داشتن مسجد خاصی افغانی محروم میباشیم . بنابراین ارادی نماز جمعه اکثراً به مساجد ترک ها، عرب ها و یا پاکستانی ها می رویم . در این مساجد خطبه روزه جمعه به زبان امام مسجد صورت میگیرد و ما چیزی از ان نمی فهیمیم .

سوال در اینجا است که وظیفه ما مسلمانان طوریکه در فوق تذکر رفت، صرف استماع خطبه است که بر ما واجب است که معنی خطبه را هم نمی فهیم فقط مطابق حکم سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم باید به ان گوش دهیم ؟ و یا اینکه میشود در حین خطبه امام ما مصروف تلاوت قرآن و یا مصروف ذکر شویم ، بخاطر آنکه ما چیزی از خطبه چون لسان ما نیست ، نمی فهیم ، وجیهه ما مسلمانان در مورد از لحاظ شرعی چیست و اسلام برای ما چه حکم میکند ؟

در جواب علماء اسلام میفرمایند :

اگر گوش فرا دهید حتی اگر چیزی هم نفهمی ان شاء الله بر خیر هست، البته بعضی از اهل علم برای کسی که زبان خطبه را نمی فهمد رخصت می دانند که به ذکر یا قرائت مشغول شود به این شرط که بر کسانی که به خطبه امام گوش می دهند تشویش و مزاحمتی ایجاد نکند، ولی احسن و افضل عمل برای یک مسلمان گوش فرا دادن به خطبه امام است ، تا ادب خطبه و اهل مسجد رعایت گردد .

### **سنت قبلیه و بعدیه در نماز جمعه**

نماز جمعه، سنت قبلیه ندارد زیرا از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت نشده است که ایشان قبل از نماز جمعه ، نماز سنت خوانده باشند. بلکه برای نماز گزار ، مستحب است که شخص هنگام ورود به مسجد جهت نماز جمعه قبل از نشستن دو رکعت نماز تحيت المسجد بجاء بیاورد و سپس بنشیند و به خطبه نماز جمعه گوش فرا دهد ، طوریکه در فوق یاد اور شدیم ، بدون آنکه تا پایان خطبه سخنی بر زبان بیاورد.

اما اگر احياناً نمازگزار زود به مسجد آمد، مستحب است که تا جاییکه توانایی و طاقت دارد بصورت دو رکعت دورکعت نماز بخواند.

از حضرت ابوهریره روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «من اغتسل يوم الجمعة ثم أتى المسجد فصلى ما قدر له، ثم أنصت حتى يفرغ من خطبته، ثم يصلى معه، غفرله ما بينه وبين الجمعة الأخرى وفضل ثلاثة أيام» «کسی که روز جمعه غسل کند سپس به نماز جمعه برود و آنچه برای او مقدر شده نماز بخواند سپس تا فارغ شدن (امام) از خطبه ساكت شود؛ سپس با او نماز بخواند، گناهان (صغریه) بین این جمعه و جمعه دیگر شو و سه روز اضافه بخشوده میشود». مسلم (857)

پس هر کس قبل از نماز جمعه به مسجد بباید، تا زمانی که امام به مسجد میآید، هر آنچه را که میخواند بدون محدودیت نماز بخواند. و نیت این نمازها نباید، بعنوان نماز راتبه باشد زیرا همانطور که گفته شد، قبل از نماز جمعه، نماز سنت رواتب وجود ندارد و آنچه امروزه به نام سنت قبل از جمعه معروف و مشهور است اصلی در سنت صحیح ندارد و معلوم است که: «پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از آنکه بلال آذان را میگفت شروع به خطبه میکرد و بطور قطع هیچ کسی بلند نمیشد تا دو رکعت نماز سنت بخواند و آذان جمعه بیش از یکی نبوده، پس چه وقتی آنها سنت جمعه را خوانند؟». اما بعد از نماز جمعه تا چهار رکعت نماز سنت راتبه وجود دارد که بصورت دو رکعتی خوانده میشوند که دو رکعت آن سنت مؤکده است.

از ابوهریره روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «إذا صلى أحدكم الجمعة فليصل بعدها أربعاً» «هرگاه یکی از شما نماز جمعه را خواند، بعد از آن چهار رکعت بخواند». مسلم (882)

از ابن عمر روایت است که: «أن النبي صلی الله علیه وسلم كان لا يصلی بعد الجمعة حتى ينصرف فيصلی رکعتين في بيته» «پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از جمعه نماز نمیخواند تا بیرون میرفت سپس دو رکعت را در خانه میخواند». متفق علیه

## خواننده محترم!

اما آنچه امروزه به نام سنت قبل از نماز جمعه مشهور است اصلی در سنت صحیح ندارد و طوریکه در فوق هم متذکر شدیم که: «پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از آنکه حضرت بلال آذان را میگفت شروع به خطبه میکرد و بطور قطع هیچ کسی بلند نمیشد تا دو رکعت نماز سنت را بخواند.

ولی بعد از نماز جمعه مسلمانان میتوانند چهار رکعت یا دو رکعت نماز سنت را مطابق حکم حدیثی ذیل بجا ارند.

در حدیثی از ابوهریره (رض) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «إذا صلى أحدكم الجمعة فليصل بعدها أربعاً» «هرگاه یکی از شما نماز جمعه را خواند، بعد از آن چهار رکعت بخواند».

همچنان در حدیثی از ابن عمر روایت است که: «أن النبي صلی الله علیه وسلم كان لا يصلی بعد الجمعة حتى ينصرف فيصلی رکعتين في بيته» «پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از جمعه نماز نمیخواند تا بیرون میرفت سپس دو رکعت را در خانه میخواند». چون نماز جمعه، نماز سنت قبلیه ندارد لذا کسی نباید هنگام ورود به مسجد نماز سنت

قبلیه بخواند زیرا این نماز قبل از جموعه وجود ندارد ، اما در عوض هنگام ورود می توانند دو رکعت نماز تحیة المسجد بخواند بعد بشیند و به خطبه‌ی امام گوش فرا دهد . از جابر روایت است که گفته است: روزی در حین اینکه پیامبر صلی الله علیه و سلم مشغول ایراد خطبه جموعه بود، مردی داخل مسجد شد، پیامبر صلی الله علیه و سلم به وی فرمود: «صلیت؟ آیا نماز گزاردی؟» ( گفت: نخیر، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «فصل رکعتین» ( دو رکعت نماز بگزار) . به روایت جماعت محدثین.

و در روایت دیگر آمده است: «إِذَا جَاءَ أَحْدَكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْأَمَامُ يَخْطُبُ فَلَيَرْكُعْ رَكْعَتَيْنِ وَلَيَتَجُوزْ فِيهِمَا» (هرگاه یکی از شما در روز جموعه بهنگام ایراد خطبه امام به مسجد آمد دو رکعت کوتاه بخواند) . به روایت مسلم و احمد و ابوداود.

و در روایت دیگری چنین آمده است: «إِذَا جَاءَ أَحْدَكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَقَدْ خَرَجَ الْأَمَامُ فَلَيُصْلِّ رَكْعَتَيْنِ» (هرگاه یکی از شما برای نماز جموعه آمد و حال آنکه امام حاضر شده بود، دو رکعت نماز سنت بخواند) . این حدیث متفق علیه می باشد. أما بعد از نماز جموعه می تواند چهار رکعت یا دو رکعت نماز سنت بخواند (به دلیل احادیث زیر) : از ابوهیره روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: «إِذَا أَحْدَكْمُ الْجُمُعَةِ فَلَيُصْلِّ بَعْدَهَا أَرْبَعًا» «هرگاه یکی از شما نماز جموعه را خواند، بعد از آن چهار رکعت بخواند» . (الإرواء 625)

از ابن عمر روایت است که: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ لَا يَصْلِي بَعْدَ الْجُمُعَةِ حَتَّى يَنْصَرِفَ فِي بَيْتِهِ» (پیامبر صلی الله علیه و سلم بعد از جموعه نماز نمی خواند تا بیرون می رسد دو رکعت را در خانه می خواند) . متفق علیه.

### **تعداد رکعت‌های نماز جموعه:**

در احادیث روایات متعددی در مورد تعداد رکعت‌های نماز سنت وارد شده است که برخی از این روایات ذیلاً بیان می یابد.

### **حدیث اول: دو رکعت:**

از عبدالله بن عمر رضی الله عنہ روایت است که: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ لَا يُصَلِّي بَعْدَ الْجُمُعَةِ حَتَّى يَنْصَرِفَ، فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ» بخاری (937)، و مسلم (882).

یعنی: رسول الله صلی الله علیه و سلم بعد از نماز جموعه، نمازی نمی خواند مگر زمانی که به خانه اش بر می گشت، آنگاه، در منزل دو رکعت نماز می گزارد.

### **حدیث دوم: چهار رکعت:**

از ابوهیره رضی الله عنہ روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمُ الْجُمُعَةَ فَلَيُصْلِّ بَعْدَهَا أَرْبَعًا» مسلم (881). یعنی: «هرگاه یکی از شما نماز جموعه خواند، بعد از آن چهار رکعت (سنت) بخواند».

و به علت اختلاف در روایات، علماء نیز درباره تعداد رکعات نماز سنت بعد از نماز جموعه اقوال مختلفی را ارائه نموده اند.

## قول اول:

سنت است که دو رکعت خوانده شود، و ابن عمر رضی الله عنہ چنین کرده است.

## قول دوم:

اکثر فقهاء گفتند: مستحب است چهار رکعت بعد از جموعه خوانده شود، که از عبدالله بن مسعود رضی الله عنہ و شاگردانش این قول روایت شده است، چنانکه در « مصنف ابن أبي شیبہ » (40/2-41) آمده، و رأی احناف نیز همین است چنانکه در « رد المحتار » (13/2-12) ذکر شده، امام شافعی نیز بر همین قول است و گفته : « ولی ما می گلیم : چهار رکعت خوانده شود» « الام » (7/176).

## قول سوم:

تخیر بین دو یا چهار رکعت.

امام احمد گفته : « بعد از جموعه اگر خواست دو رکعت بخواند و گرنه چهار رکعت بخواند » « المغنی » (2/109).

## قول چهارم:

هر کس سنت بعدیه جموعه را در مسجد خواند چهار رکعت بخواند، و اگر در منزل خواند دو رکعت بخواند.

## امام ابن قیم می گوید :

«استاد ما أبو العباس ابن تیمیة گفته : اگر در مسجد نماز خواند چهار بخواند و اگر در خانه اش خواند دو رکعت بخواند.

می گوییم : احادیث هم بر همین قول دلالت دارند، و ابوداود از ابن عمر ذکر کرده که او هرگاه در مسجد نماز می خواند چهار رکعت می خواند و اگر در خانه اش می خواند دو رکعت می خواند» « زاد المعاد » (1/417).

علمای هیئت دائمی افتقاء نیز همین قول را برگزیدند. « فتاویٰ اللجنة الدائمة » (6/131).

## قول پنجم:

مستحب است شش رکعت خوانده شود، و این قول از علی بن ابی طالب رضی الله عنہ و از جماعتی از سلف روایت شده است، نگاه کنید به : ( مصنف ابن أبي شیبہ ) (2/40-41). و این قول برگزیده ابویوسف (شاگرد امام ابوحنیفه) و طحاوی از احناف نیز هست : « شرح معانی الآثار » (1/337)، و حافظ ابن رجب در « القواعد » (صفحه 15) این قول را غریب دانسته است.

از شیخ ابن عثیمین درباره چگونگی جمع بین احادیث واردہ سوال شد، ایشان پاسخ دادند : « اهل علم به دلیل این اختلاف (روایت) آرای متفاوتی دارند : بعضی از آنها گفتند : شش رکعت خوانده می شود، دو رکعت بوسیله سنت فعلیه ثابت است و چهار رکعت هم با سنت قولیه، این یک قول،

## قول دوم:

معتبر (سنت قولیه) است، یعنی چهار رکعت نماز خوانده شود، پس سنت جموعه تنها چهار رکعت است.

## قول سوم :

تفصیل: اگر در مسجدی نماز خواند چهار رکعت بخواند، و اگر در خانه اش خواند دو رکعت بخواند. که این رأی برگزیده شیخ الاسلام ابن تیمیه نیز هست.  
و الحمد لله امر واسع است، یعنی : اگر به خانه رفت و چهار رکعت را با دو سلام خواند (دوتا دو رکعتی خواند) نیک است و ضرری ندارد ان شاء الله». «لقاءات الباب المفتح» (لقاء رقم 214، سؤال رقم 8).

## خلاصه اینکه :

خواننده محترم ! طوریکه در فوق ذکر شد امر واسع است؛ نمازگزار بین دو رکعت و چهار رکعت یکی را انتخاب کند، و یاهم اگر خواست در خانه چهار بخواند و در مسجد دو رکعت.

## نماز جمعه در مسافت:

قبل از همه باید گفت که : یکی از شروط صحت نماز جمعه؛ استیطان است، یعنی باید اهل آن شهری باشد که در آنجا نماز جمعه برپا می شود و لذا بر شخص مسافر نماز جمعه واجب نیست، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم در سفرهای خود نماز جمعه اقامه نکردند، چنانکه در حجۃ الوداع در روز عرفه که مصادف بود با روز جمعه، پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز جمعه نخواندند و بجای آن نماز ظهر را به جماعت اداء کردند.

اما برای آنکه حکم نماز جمعه را برای شخص مسافر روشن تر بیان کنیم، توجه شما را به مقدم ای ذیل جلب مینمایم :

یک انسان ممکن است یکی از سه احوال زیر را داشته باشد:

1- مستوطن باشد. (یعنی در شهر یا قریه وطن خود باشد و به جایی سفر نکرده باشد، و یا به شهری برود و در آنجا قصد اقامت دائم را داشته باشد).

2- مسافر باشد. (یعنی وطن خود را به مقصد شهر یا روستایی ترک گفته باشد و سفرش را برای مدتی قطع نکند، که علماء در مورد آن مدت اختلاف نظر دارند، ولی بر طبق رأی جمهور فقهای مذاهب (امام مالک ، امام شافعی و امام حنبل ) حداقل چهار روز است).

3- مقیم باشد. (منظور از مقیم یعنی کسی که مسافر است ولی قصد اقامت موقت را در آن شهر دارد، مانند کسی که برای تحصیلات به شهری دیگر رفته و پس از مدتی به وطنش باز می گردد).

در ضمن بر طبق رأی جمهور علماء از جمله مذهب مالکیه و شافعیه و حنبلیه، هر کس به مکانی مسافرت کند و تصمیم اقامت بیش از چهار روز را داشته باشد، او در حکم شخص مقیم است نه مسافر، و بر طبق مذهب امام صاحب ابو حنفیه، هر کس قصد اقامت بیشتر از 15 روز را داشته باشد، او بعنوان مقیم ثالثی شده پس منظور از فرد مقیم در اینجا؛ یعنی مسافری که بیش از حد مجاز در مقصد بماند.

## حال با توجه به این مقدمه:

الف:

نماز جمعه بر مستوطن فرض عین است، یعنی بر ساکنان (مردھای بالغ) یک شهر و قریه که عذر شرعی نداشته باشد، واجب است که در نماز جمعه اشتراک نماید. البته برای زنان نماز جمعه واجب نیست ولی میتوانند به نماز جمعه بروند، و زنانی که به نماز جمعه نمی‌روند باید در منزل نماز ظهر بخوانند.

ب:

نماز جمعه بر مسافر (که قصد اقامت موقت، بیش از چهار روز را ندارد) واجب نیست.

عالی شهیر جهان اسلام الوزیر ابن هبیره (متولد سال 499 هجری متوفی 560 هجری) مینویسد: «علماء اتفاق نظر دارند بر اینکه نماز جمعه بر کودک و برد و مسافر و زن واجب نیست، بجز اینکه روایتی از امام احمد نقل شده که وی نماز جمعه را برای حالتی خاص برای برد واجب دانسته است». (اختلاف العلماء 1/152).

اما ابن المنذر نیشاپوری (حافظ أبو بکر محمد بن إبراهیم بن المنذر بن الجارود النیشاپوری 318-241) مینویسد: «از جمله دلایلی که بر واجب نبودن نماز جمعه بر مسافر به آن استناد می‌شود؛ اینست که پیامبر صلی الله علیه وسلم قطعاً در سفرهای خود روز جمعه وجود داشته، اما به ما نرسیده که ایشان مسافر بوده باشند و نماز جمعه خوانده باشند، بلکه ثابت شده که ایشان در روز عرفه که مصادف بوده با جمعه نماز ظهر خوانند، و این فعل ایشان دلالت دارد بر اینکه نماز جمعه بر مسافر لازم نیست، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم میین و روشن کننده کتاب الله است، پس با استدلال به فعل پیامبر صلی الله علیه وسلم نتیجه می‌گیریم نماز جمعه بر شخص مسافر ساقط می‌شود». (الأوسط 4/20).

**خواننده محترم!**

اگر چند نفر مسافر در روز جمعه تصمیم بر اقامه نماز جمعه بگیرند آیا خواندن نماز جمعه برایشان جواز دارد یا خیر؟

از حوابی نظریات اکثر علماء اسلامی طوری استنباط میشود که نماز جمعه آنها صحیح نیست، بالعکس آنها باید نماز ظهر را بجاء ارند، زیرا خواندن نماز جمعه توسط مسافر بدعت است و اگر مشروع می‌بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم در سفرهای خود نماز جمعه می‌خوانند، در حالیکه ایشان فقط نماز ظهر را خوانده اند.

شیخ محمد بن صالح العثیمین رحمه الله میفرماید: «.. اگر جماعتی از مسلمانان به یک کشور کافر مسافرت کنند، و مثلاً یکصد نفر باشند که جهت تحصیل و برای مدت پنج یا شش یا ده سال در آنجا ماندگار باشند، در این حالت نماز جمعه بر آنها واجب نیست و حتی صحیح نیست که خودشان نماز جمعه برگزار کنند، زیرا برای نماز جمعه استیطان لازمست است اما آنها مستوطن (اهل آنجا) نیستند پس نماز جمعه در حق آنها صحیح نیست، و بر آنها واجب نمی‌باشد...». «الشرح الممتع على زاد المستقنع - المجلد الخامس؛ باب صلاة الجمعة».

## یادداشت:

این حکم برای مسافرینی بود که قصد اقامت، ولو کوتاه مدت، را در شهر مقصد نداشتند، و علاوه بر این در آن شهر نیز نماز جمعه برگزار نمی شد، اما اگر مسافر به شهری برسد و در آن شهر آذان جمعه را بشنود، آیا حضور در نماز جمعه برای وی لازم است یا خیر؟

در جواب باید گفت: بیشتر اهل علم از پیروان مذاهب اربعه بر این رأی هستند که نماز جمعه بر او واجب نیست هرچند که صدای آذان را بشنود و در آن شهر جمعه برگزار شود. (مراجعه شود: (البحر الرائق 151/2، المجموع 4/485).

اما بعضی از علماء گفته اند: اگر مسافری به شهری برسد و قصد استراحت داشته باشد و بخواهد بعداز ظهر آنجارا ترک کند یا کمتر از چهار روز دیگر برود، چنانکه در آن شهر نماز جمعه برگزار می شود او نیز باید در نماز جمعه شرکت کند. و علمای ظاهریه گفته اند: بر کسی که صدای آذان را می شنود واجب است در نماز جمعه حاضر شود هرچند که مسافر باشد، و این رأی از امام اوزاعی و زهری نیز نقل شده است. نگاه کنید به: (المحلی 3/252).

و شیخ محمد بن صالح العثیمین رحمة الله می گوید: «اما مسافر در شهری باشد که در آنجا نماز جمعه برگزار می شود، مثلاً شخصی در طی سفرش از شهری عبور کند، و داخل آن شهر شود تا استراحت کند و بعد از ظهر سفرش را ادامه دهد، در اینحالات بر او نماز جمعه لازم است؛ به دلیل عمومیت فرموده الله تعالی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِي لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا التِّبَاعَ» (سورة جمعه 9).

یعنی: ای کسانی که ایمان آوردهاید! هنگامی که برای نماز روز جمعه آذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید. و این آیه عام است...». (الشرح الممتع على زاد المستقنع - المجلد الخامس؛ باب صلاة الجمعة). و گفته اند: این آیه عام است، یعنی همه را مورد خطاب قرار می دهد، پس کسی که مسافر باشد و وارد شهر یا قریه گردد که ساکنین آنجا نماز جمعه برپا می کنند، چنانکه مسافر بخواهد مدتی ولو کوتاه مدت در آنجا بماند، باید در نماز جمعه شرکت کند.

در مورد حکم نماز جمعه بر فرد مقیم؛ یعنی مسافری که قصد اقامت بیش از چهار روز (بر طبق مذهب جمهور) و بیش از 15 روز (بر طبق رای احناف) را داشته باشد همین است کسیکه: وارد شهر یا قریه ای شده ولی قصد اقامت دائم را ندارد، بلکه قصد دارد پس از مدتی به وطن خود بازگردد، مانند کسی که جهت سیاحت به شهری رفته و مدتی را در آنجا ماندگار است و یا محصلی که به قصد تحصیل به شهر یا کشوری رفته اند و قصد دارند پس از اتمام کارشان بازگرددند، این افراد نه مسافر هستند و نه مستوطن، بلکه مقیم نامیده می شوند.

اما آیا نماز جمعه بر اینگونه افراد واجب است یا خیر؟

جواب در این مورد: بستگی دارد:

- اگر در آن شهر نماز جمعه برگزار نمی گردد، در آنصورت خلافی بین علماء نیست که نماز جمعه بر این افراد واجب نمی باشد.

- اگر خود ساکنین آن شهر یا قریه نماز جمعه برگزار می‌کنند، در این شرایط بعضی از اهل علم گفته اند: نماز جمعه بر مقیم واجب نیست ولی افضل آنست شرکت کند، اما رأی مورد اعتماد در بین مذاهب اربعه آنست که نماز جمعه بر فرد مقیم واجب است، چنانکه:

پیروان مذهب امام ابو حنفیه گفته اند: بر وی (یعنی فرد مقیم) نماز جمعه واجب است، و خود فرد مقیم می‌تواند عدد لازم برای صحت تشکیل جمعه را کامل کند. (برای تفصیل موضوع مراجعه شود به: (البحر الرائق 2/151-164، الدر المختار 2/162).  
اما پیروان امام مالک، امام شافعی و پیروان مذهب حنبلی میگویند: نماز جمعه، با خاطر برپایی آن توسط مستوطنین بر وی نیز واجب است، پس اگر تعداد مسلمانان بالغ مذکور که برای برگزاری نماز جمعه در آن شهر یا قریه لازم است (که چهل نفر می‌باشد) وجود داشته باشد، در آنصورت نماز جمعه بر مقیم نیز واجب می‌گردد. اما اگر تعداد مستوطنین به حد نصاب نرسد ولی با وجود فرد مقیم به نصاب برسد، باز نماز جمعه بر مقیم واجب نیست، بلکه باید خود مستوطنین به نصاب لازم برسند آنگاه بر مقیم واجب می‌گردد که همراه آنها در نماز جمعه شرکت کند. (برای تفصیل موضوع مراجعه شود به: (شرح الخرشی 2/81، المجموع 4/503، کشاف القناع 2/23).  
از جمله دلایل آنها برای واجب بودن نماز جمعه بر فرد مقیم، آیه 9 از سوره جمعه است که ذکر شد، و گفته اند:

این آیه عام است و کل مؤمنان را خطاب قرار می‌دهد، پس بر تمام مؤمنان واجب است به این آیه عمل کنند مگر کسانی را که شارع مستثنی کرده باشد، و پیامبر صلی الله علیه وسلم تنها پنج نفر را از رفتن به نماز جمعه مستثنی کرده، این پنج شخص در حدیثی که از جابر رضی الله عنہ روایت گردیده بشرح ذیل بیان یافته است: «من کان بیؤمن بالله والیوم الآخر، فعلیه الجمعة یوم الجمعة، إلاً مريض أو مسافر أو امرأة أو صبى أو مملوك». (سنن دارقطنی 2/305) و بیهقی (3/261) و الارواه (57/30) و حدیث حسن است.

یعنی: «کسی که به الله و روز آخرت ایمان دارد باید در روز جمعه به نماز جمعه برود، مگر کسی که مریض یا مسافر یا زن یا کودک یا بردگه باشد».

طوریکه ملاحظه میفرماید در این حدیث تنها پنج گروه را از رفتن به نماز جمعه مستثنی گردیده است ولی فرد مقیم در بین آن پنج نفر نیست، لذا امام ابن قدامه رحمه الله می‌گوید: «اگر شخص مسافر مقیم شود دیگر نمی‌تواند نمازش را قصر کند، و اگر قصد اقامت دائم را نداشته باشد؛ مانند طالب علم یا مجاهد یا تاجری که اقامت گزیده تا کالایش را بخرد، در (مورد حکم وجوب نماز جمعه بر وی) دو قول وجود دارد:  
اول:

نماز جمعه بر وی لازم است؛ دلیل آن با خاطر عمومیت آیه (9 سوره جمعه) و نیز دلالت اخباری است که آنرا روایت کردیم؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز جمعه را واجب کرده جز برای پنج نفر که آنها را مستثنی کرد، و فرد مقیم جزو آن پنج نفر نیست.  
دوم:

نماز جمعه بر وی واجب نیست، زیرا او مستوطن نمی باشد، در حالیکه استیطان شرط وجوب است،

علاوه بر آن او نیت اقامت مداوم را در آن شهر ندارد، پس مشابه کوچی هستند که در تابستان در محلی ساکن هستند و زمستان کوچ می کنند..». (المغنی 2/252).

قول راجح در این مسئله همان رأی جمهور اهل علم از جمله بیشتر پیروان مذاهب اربعه است که می گویند: اگر در شهری که اقامت دارد نماز جمعه توسط مستوطنهای آنجا اقامه می شود، پس نماز جمعه بر فرد مقیم نیز واجب است، و مقیم در مذهب (مالکیه و شافعیه و حنبلیه) یعنی کسی که قصد اقامت بیش از چهار روز را داشته باشد و در مذهب احناف کسی است که قصد اقامت بیش از پانزده روز را دارد.

شیخ محمد بن صالح العثیمین رحمه الله می گوید: «..مردم سه دسته هستند:

- 1- مستوطن (جزء اهالی آن شهر یا روستا).
- 2- مسافر.

3- مقیمی که نه مسافر است و نه مستوطن.

بطور مثال : مردی به یک شهر می رسد و قصد دارد که بیشتر از چهار روز در آنجا بماند، او مستوطن نیست زیرا آن شهر وطن او نیست، همچنین مسافر هم نیست، زیرا وی قصد اقامت موقت را دارد و سفرش را قطع کرده و مقیم گشته، حال اگر در آن شهر مردمان آنجا نماز جمعه برگزار کنند، بر وی لازم است که در نماز جمعه شرکت کند، اما اگر نماز جمعه برگزار نمی شود، نماز جمعه بر وی نیز لازم نیست. بر این مبنای اگر جماعتی از مسلمانان به یک کشور کافر مسافرت کنند، و مثلاً یکصد نفر باشند که جهت تحصیل و برای مدت پنج یا شش یا ده سال در آنجا ماندگار باشند، در این حالت نماز جمعه بر آنها واجب نیست و حتی صحیح نیست که خودشان نماز جمعه برگزار کنند، زیرا برای نماز جمعه استیطان لازم است اما آنها مستوطن (اهل آنجا) نیستند پس نماز جمعه در حق آنها صحیح نیست، و بر آنها واجب نمی باشد، اما اگر در آن شهر چهل نفر ساکن مستوطن یافت شوند آذان نماز جمعه بر آن چهل نفر واجب است و بر آن مسافرین نیز لازم شود..». «الشرح الممتع على زاد المستقنع - المجلد الخامس؛ باب صلاة الجمعة».

با توجه به این توضیحات: کسی که برای تحصیلات به یک شهر دیگر می رود و در آنجا موقتاً ماندگار می شود، او در حکم مقیم است (نه مسافر یا مستوطن) و همانطور که گفته شد: اگر در آن شهر توسط ساکنین آنجا نماز جمعه برگزار نمی شود، پس نماز جمعه بر وی نیز واجب نیست، و در این حکم اختلافی مابین علماء نیست، اما اگر در آن شهر آذان نماز جمعه شنیده می شود و نماز جمعه توسط ساکنین آن شهر برگزار می شود؛ در اینحالت بعضی از علماء فرموده اند: چون مستوطن نیست پس نماز جمعه بر او واجب نیست. اما بر طبق رأی راجح که رأی بیشتر اهل علم نیز می باشد؛ نماز جمعه بر وی لازم است، به دلیل عمومیت فرموده الله تعالی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ثُوِّدَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعُوا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ» (سوره جمعه 9).

یعنی: ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه آذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید.

در هر حال حتی برای خروج از اختلاف بین علماء نیز باشد، بهتر است کسانی که موقتاً مقیم شهر دیگری هستند، چنانکه در آنجا نماز جمعه اهل سنت برگزار می‌شود، به نماز جمعه رفته و در آن شرکت نمایند.

### امامت مسافر در نماز جمعه:

در مورد اینکه مسافر می‌تواند امامت نماز جمعه مستوطنهای شهری را بر عهده بگیرد یا خیر؟

پیروان امام ابو حنیفه و امام شافعی می‌گویند: امامت مسافر صحیح است. (رد المختار 155/2، المجموع 250/4). اما پیروان مالکی و حنابلہ بدین باور اند که: امامت مسافر برای مستوطن صحیح نیست. (حاشیة الدسوقي 377/1، المغنی 253/2).

### امامت مقیم برای مسافر در نماز جمعه:

در مورد اینکه آیا مقیم می‌تواند امامت نماز جمعه مستوطنهای شهری را بر عهده بگیرد؟

جمهور اهل علم بدین باور اند که بلی: مقیم می‌تواند امامت مستوطن شهری را بر عهده بگیرد.

(رد المختار 155/2، حاشیة الدسوقي 377/1، المجموع 250/4).  
حنابلہ می‌گویند: چون مقیم جزو مستوطنهای نیست، پس نمی‌تواند، امامت مستوطن را بر عهده بگیرد. (کشاف القناع 23/2، المغنی 253/2).

### جمع بندی نظریات فوق (بر طبق رای ارجح):

۱- بر همه ساکنان یک شهر واجب است که در نماز جمعه شرکت کنند مگر پنج گروه از مردم: (مریضان، زنان، کودکان، مسافران، برده‌گان).

۲- نماز جمعه بر مسافر واجب نیست، (و مسافر کسی است که - بر طبق نظر جمهور علماء - قصد اقامت کمتر از چهار روز را دارد، یا بر طبق رای احناف قصد اقامت کمتر از پانزده روز را دارد) برای چنین شخصی نماز جمعه واجب نیست حتی اگر صدای آذان را هم بشنود و در آنجا نماز جمعه توسط مستوطنهای اقامه گردد، ولی افضل آنست که مسافر نیز در جمعه حاضر شود.

۳- کسانی که در شهر غریبی مقیم هستند (یعنی کسانی که بر طبق رأی جمهور قصد اقامت بیش از چهار روز را در آن شهر دارند و یا بر طبق رأی احناف قصد اقامت بیش از پانزده روز را دارند) بر چنین کسانی واجب نیست که با هم جمع شوند و خودشان نماز جمعه برگزار کنند، اما اگر در آن شهر توسط اهالی آنجا نماز جمعه برگزار می‌گردد واجب است که آنها نیز در نماز جمعه همراه اهالی شهر شرکت کنند.

### نماز جمعه در زندان

زنдан جای است که در این محل اشخاص از نظر فیزیکی، محدود و توفیق و معمولاً از آزادی‌های شخصی و در برخی از اوقات از عبادت دینی و مذهبی نیز محروم می‌شوند.

فرهنگ دهخدا در مورد زندان مینویسد : زندان جایی است که متهمان و محکومان را در آن نگاهدارند. کلمه زندان در فرهنگ افغانی بنام زندان ، بندی خانه ویا هم محبس شهرت دارد ، کسانی که در زندان هستند ، بنام زندانی ویا بندی ویا محبوس یاد میگردد . در مورد اینکه مسولیت ووجیبه زندانیان در مورد نماز جمعه چیست ؟ شیخ عبد العزیز ابن باز طی فتوای مینویسد :

« اگر در داخل زندان مسجدی باشد ، وامکان حضور برای زندانیان در آن میسر باشد ، زندانیان میتوانند نماز جمعه را با جماعت همراهی سایر زندانیان ادا نمایند ، در غیر آن نماز جمعه بالای زندانیان ساقط است ولی میتوانند نماز ظهر را بجاء اورند . و اگر امکان جمع شدن آنها در مسجد یا مکان واحدی نباشد ، پس هر مجموعه خودشان نمازهای پنجگانه خویش را داخل سلولهای خود بصورت جماعت بخوانند ». (برای تفصیل موضوع مراجعه شود به فتاوی شیخ عبد العزیز بن عبد الله بن باز جلد 12 صفحه 345)

### خواندن نماز جمعه به صدای لوڈسپیگر در زندان:

اگر زندانیان اجازه اقامه نماز جماعت را در داخل زندان محل واحدی برای نماز جمعه نداشته باشند ، طوریکه در فوق یاد اورشیدیم : حکم شرع همین است که نماز جمعه از نزد شان ساقط میگردد : « مجلس هیئت کبار علماء درباره اقتداء زندانیان بواسطه بلندگو به امام در نماز جمعه و جماعت در حالیکه داخل سلولهای خود هستند ، رأی به عدم موافقت با آن داده است ، زیرا در شرایطی که آنها قرار دارند نماز جمعه بر آنان واجب نیست ، چرا که امکان رفتن به سوی جمعه را ندارند ، وهکذا سایر دلایل در این زمینه ».

### حکم تصادف واقع شدن نماز جمعه و عید در یک روز:

اگر روز عید به روز جمعه در یک روز تصادف کند ، خواندن نماز عید برایشان کفايت میکند ونمی خواهد غرض انجام نماز جمعه دوباره به عید گاه تشریف اورند ، در صورت تصادف شدن نماز عید و جمعه ، مردم تنها نماز عید را بجا اورند و مسلمانان تنها نماز پیشین را در خانه خویش بخوانند ، و میتوانند برای نماز جمعه نیایند ولی از آنجائی که شاید برخی متمایل باشند که در این روز نماز جمعه هم بخوانند بر امام جمعه واجب است که نماز جمعه را برگزار کند تا علاقه مندان به نماز جمعه در این روز هم بتوانند نماز جمعه شان را برگزار و اداء نمایند در این باره به روایت زیر که صحیح است و در سنن ابی داود آمده است توجه فرمایید :

«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ قَدْ اجْتَمَعَ فِي يَوْمِكُمْ هَذَا عِيدًاٌ فَمَنْ شَاءَ أَجْزَأَهُ مِنْ الْجُمُعَةِ وَإِنَّا مُجَمِّعُونَ». » از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: همانا در این روزتان دو عید جمع شده است (یعنی عید و جمعه) هر کس می خواهد (حضور او در نماز عید) بجای جمعه اش کافی است (دیگر نماز جمعه امروز بر او واجب نیست) ولی ما نماز جمعه را برگزار می کنیم (لذا اگر کسی دلش خواست می تواند در آن شرکت کند).

## ترتیب خواندن نماز جمعه نزد احناف :

1- خواندن دو رکعت نماز تحيه المسجد. این نماز در اول زمانیکه نماز گزار به مسجد داخل میگردد

خوانده میشود ، و هیچگونه تفاوتی با سایر نماز های نافله‌ی دو رکعتی ندارد. این نماز را میتوان با نیت تحيه المسجد شروع کرده و یا با نیت نماز نافله‌ی دو رکعتی اداء نمود. این نماز هیچگونه اختصاصی به نماز جمعه و روز جمعه نداشته بلکه برای هر دفعه ورود به مسجد، خواندن این نماز سنت میباشد.

2- چهار رکعت نماز همانند چهار رکعت سنت نماز ظهر بوده و هیچگونه تفاوتی با آن ندارد. فقط با نیت «چهار رکعت سنت قبلیه جمعه» خوانده میشود .

3- آذان و خطبه. بعد از اینکه آذان توسط مؤذن گفته شد ، سپس امام، بر بالای منبر میرود و خطبه روز جمعه را ایراد میکند . هنگامی که امام بالای منبر میرود خواندن هیچ نمازی صحیح نبوده و سخن گفتن نیز جائز نمیباشد و فقط لازم است به خطبه‌ی امام گوش فرا داده شود.

4 - بعد از خطبه دو رکعت نماز فرض روز جمعه خوانده میشود . امام پیش روی جماعت ایستاده و شروع به اداء نماز فرض جمعه میکند. در این هنگام لازم است نمازگزار وارد صف شده و به امام اقتداء نماید. خواندن قرائت بر عهده امام بوده و لازم است مقدتی با سکوت تمام به آن گوش فرا دهد.

5- چهار رکعت سنت بعدیه جمعه بعد از ختم نماز جمعه . این نماز نیز همانند چهار رکعت سنت قبلیه بوده و هیچگونه تفاوتی با آن ندارد. فقط به هنگام نیت آن باید «چهار رکعت سنت بعدیه» گفته شود.

6 - چهار رکعت نماز احتیاط الظهر. سپس چهار رکعت نماز احتیاط الظهر خوانده میشود. این نماز برای افراد مقیم چهار رکعت بوده و برای افراد مسافر دو رکعت میباشد.

نیت این نماز اینچنین است: «نیت کردم خواندن چهار رکعت فرضی که وقت آنرا درک کرده و نخوانده ام خالصاً لله تعالیٰ الله اکبر».

7- دو رکعت سنت هذا الوقت. این نماز نیز همانند دو رکعت سنت نماز ظهر بوده و هیچگونه تفاوتی با آن ندارد. فقط لازم است در آغاز آن با نیت «دو رکعت سنت هذا الوقت» آنرا شروع نمود .

پس از اتمام این نماز ها، امام به اتفاق جماعت، تسبيحات پس از نماز را گفته و سپس برای شادی ارواح گذشتگان، از کلام الله مجید، آیاتی چند قرائت میشود. بدین ترتیب خواندن نماز جمعه به پایان میرسد.

**فقهاء احناف برای صحت اداء نماز جمعه هفت شرط را ذکر کرده اند که به شرح ذیل است :**

1- مصریعنی شهر بودن

2- حضور سلطان یا نائب سلطان و حاکم دست او ل مسلمانان

3- وقت ظهر یعنی وقت نماز ظهر

4 - خطبه

5- خطبه باید قبل از نماز جمعه گفته شود

6 - جماعت

7- اذن عام .

## خواندن نماز جمعه در مساجد غیر جامع :

علماء در خصوص نماز جمعه فرموده اند که نماز جمعه بر تمامی ساکنان یک شهر یا قریه منطقه مسکونی که حداقل سه نفر بالغ ذکر در آن وجود دارد واجب است حتی اگر شخصی صدای آذان را نیز نشنود بر او واجب است که به نماز جمعه برود. در ابتدا مسلمانان می باشند در مصلای شهر یا قریه خود جمع شوند و در آنجا نماز جمعه برپا نمایند، اما اگر در شهر یا قریه خود بنا به علتهایی در چندین مسجد جمعه برگذار شد، در آنصورت چنانکه در مسجد جامع شهر یا قریه امکان شرکت در نماز سخت بود، شخص میتواند در سایر مساجد شهر که در آنها نماز جمعه برگزار می شود شرکت نماید.

اگر در شهر فقط در یک مکان جمعه برگذار می شد بنابراین تمامی مسلمانان بالغ ذکر موظفند به آن مسجد بروند ولو اینکه برای تمامی نمازگزاران جا و مکان نباشد، زیرا آنها می توانند در محوطه مسجد نماز بخوانند و نماز جمعه فرض عین است لذا کسی به بهانه نبود مکان یا غیره حق تخلف از نماز جمعه را ندارد مگر اینکه بخواهد در مسجد دیگری که در آنجا هم نماز جمعه برگزار می شود شرکت نماید.

طوریکه در فوق متذکر شدیم : شرط برگذاری نماز جمعه اینست که در منطقه ای حدائق سه نفر ذکر و بالغ موجود باشند، در آنصورت آنها می توانند نماز جمعه را خود برگذار کنند.

( به شرطیکه در محل سکونت آنها مکانی برای برگزاری نماز جمعه نباشد و در صورت وجود خود نمی توانند نماز جمعه برگزار کنند).

البته در این شرایط می توانند به مساجد قریجات نزدیک شهر یا قریه خود نیز بروند ( البته در صورتی که امکان نماز خواندن در مسجد جامع محل خود برایشان سخت باشد).

اگر کسی در جایی بسر می برد که نماز جمعه برگزار نمی شد، در آنصورت علماء برای شرکت وی در مساجد شهر یا قریجات نزدیک وی دارای چند قول هستند: برخی از فقهای شافعیه و حنفیه گفته اند که در این شرایط اگر شخص صدای آذان را نشنود، او می تواند به جمعه نزود.

و برخی دیگر گفته اند که اگر فاصله محل سکونت او با نزدیکترین مسجدی که در آنجا جمعه برگزار می شود بیشتر از سه مایل بود، نماز جمعه بر او واجب نیست و این رای مالیکه و حنبله است.

و برخی دیگر از فقهای می گویند: اگر او به جمعه رود بگونه ایکه قبل از شب نزد خانواده خود بازگردد، در آنصورت نماز جمعه بر او واجب است. ( منظور قبل از شب؛

قبل از آذان مغرب است) و این رای را ابن منذر از ابن عمر و انس و ابو هریره و معاویه و حسن بصری و نافع و عکرمه و عطا و اوزاعی و ابوثور روایت کرده است. البته برخی از احادیث مخالف برخی از آرای فوق هستند: از عایشه رضی الله عنها روایت است: «**كَانَ النَّاسُ يَنْتَابُونَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِنْ مَنَازِهِمْ وَالْعَوَالِيِّ وَ...**» (مردم گاه گاهی از منازلشان که در قریجات اطراف و حوالی (که در فاصله چهار مایلی و بیشتر از مدینه بودند) برای جمعه (به مدینه) می‌آمدند. (متفق علیه).

در حدیثی از زهری روایت است که: «أَنَّ أَهْلَ ذِي الْحِلْفَةِ كَانُوا يَجْتَمِعُونَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَذَلِكَ عَلَى مَسِيرَةِ سَتَةِ أَمْيَالٍ مِنَ الْمَدِينَةِ» (اهل ذوالحلیفة با پیامبر صلی الله علیه وسلم جمعه می‌کردند و ذوالحلیفة در فاصله شش مایلی مدینه قرار داشت). (بیهقی)

از عطاء بن ابی رباح روایت است: «**كَانُ أَهْلُ مَنِي يَحْضُرُونَ الْجُمُعَةَ بِمَكَّةَ**» (اهل منی برای نماز جمعه به مکه می‌آمدند). (بیهقی)

شیخ ابن جبرین رحمه الله در جواب سوال کسی که در خارج از منزل و در مزرعه خود کار می‌کند، در خصوص نماز جمعه برای او چنین می‌گوید:

«اگر از محل کار ایشان تا مکانی که نماز جمعه اقامه می‌شود با پایی پیاده بیشتر از یک ساعت راه است، شرکت در نماز جمعه برایشان لازم نیست، مگر این که وسیله‌ای باشد که ایشان را برساند، در این صورت برایشان شرکت در نماز جمعه الزامی است، در غیر این صورت در محل کارشان نماز ظهر را بخوانند.» شیخ ابن جبرین الدر الثمین فی فتاوی الكفلاء والعاملین صفحه (32) و توجه داشته باشید این فتووا برای کسی است که تنها در مزرعه کار می‌کند و او در خارج از مناطق مسکونی است.

### **شرط مصر برای نماز جمعه:**

در مورد تعریف مصر که بحیث شرط توسط علمای احناف برای اقامه نماز جمعه معرفی گردیده است، فقهاء احناف در بین خود اختلاف نظر پیدا کرده اند.

نظر حضرت امام اعظم ابوحنیفه اینچنین است: «**كُلُّ مَوْضِعٍ لَهُ مُفْتِنٌ وَّ أَمِيرٌ وَّ قَاضٍ يُنَقَّدُ** الأَحْكَامَ وَ يُقْيِمُ الْحُدُودَ وَ بَلَغَتْ أَبْنِيَّتُهُ أَبْنِيَّةً مَنِيَّ» (حاشیة الطحاوی جلد 2 صفحه 126).

یعنی هر شهر یا قریه که در آن مفتی، امیر و قاضی بوده و احکام شرعی و حدود اسلامی در آن به اجراء در آمده و تعداد سکان آن به تعداد سکنه‌ی منی رسیده باشد. در اینگونه شرائط، این شهر یا قریه مصر محسوب شده و اقامه‌ی نماز جمعه در آن صحیح خواهد بود.

اما برخی دیگر از فقهاء احناف از جمله علامه این عابدین، مصر را اینگونه تعریف نموده اند:

«**مَا لَا يَسْعُ أَكْبَرُ مَسَاجِدِهِ أَهْلُهُ الْمُكَلَّفِينَ بِهَا**» رdalel المختار علی الدر المختار جلد 2 صفحه 137. یعنی هر شهر یا قریه که بزرگترین مسجد آنجا، تمامی مکلفین آن شهر یا روستا را جا ندهد. بعبارتی دیگر همه‌ی مکلفین آن شهر یا قریه در بزرگترین مسجد آنجا جا نگیرد و مسجد گنجایش همه‌ی آنها را نداشته باشد. در چنین شرایطی، آن شهر یا قریه مصر محسوب شده و خواندن نماز جمعه در آن صحیح خواهد بود.

اگر چه تعریف اول از حضرت امام اعظم ابوحنیفه رحمة الله علیه روایت شده و ظاهر

مذهب میباشد، اما اکثر فقهاء و بسیاری از اصحاب متون و شرح از جمله ولوالجیه، وقایه، متن مختار و شرح آن، متن درر، تعریف دوم را اختیار کرده و آنرا ترجیح داده اند و علت آنرا «ظهور سنتی و توانی در امور شرعیه» ذکر کرده اند.

حالا با توجه به تعریف اول مصر، در تمامی قریجات و در اکثر شهرهای ما بعلت فقدان مصریت، نمیتوان نماز جمعه را اداء کرد و همه‌ی نمازهایی که به عنوان نماز جمعه اداء شده است، همگی نافله محسوب خواهند شد.

اما با توجه به تعریف دوم مصر، نه تنها در همه‌ی شهرهای افغانستان، بلکه در اکثر قریجات افغانستان شرائط برگزاری نماز جمعه مهیا بوده و همه نمازهایی که بعنوان نماز جمعه اداء شده اند، همگی از نماز جمعه‌ی آنان محسوب خواهند شد.

از آنجا که حقیقت امر برای ما مشخص نبوده و صحیح بودن هر یک از این دو تعریف برای ما مجھول است، فقهاء احناف دستور داده اند در جاهایی که وجوب نماز جمعه در آن مورد تردید است، پس از اداء دو رکعت فرض جمعه و چهار رکعت سنت بعده،

چهار رکعت نماز را بعنوان فرض نماز ظهر همان روز، اداء شود تا هرگاه نماز جمعه در آن محل واجب نشده و شرائط اداء نماز جمعه در آن مهیا نبوده باشد، فرض نماز ظهر همان روز را اداء کرده باشند. اما هرگاه نماز جمعه بر آن محل واجب شده و شرائط اداء نماز جمعه را داشته باشند، دو رکعت فرض جمعه به عنوان نماز جمعه محسوب شده و چهار رکعت فرض ظهر همان روز نیز، نافله محسوب شود.

این چهار رکعت نماز که اصطلاحاً «احتیاط ظهر» نام دارد فقط باطری وجود شک و تردید در وجوب نماز جمعه بر آن محل (که بنا به تعریف اولی واجب نبوده و بنا به تعریف دومی واجب است) خوانده میشود. همچنین در صورت تعدد نماز جمعه در یک شهر یا قریه نیز خواندن نماز احتیاط الظهر واجب میگردد. این نیز باطری خروج از اختلاف فقهاء است که هر نمازگزاری باید پس از اداء نماز جمعه، چهار رکعت احتیاط الظهر را بخواند. زیرا در روایتی از حضرت امام اعظم ابوحنیفه رحمة الله عليه آمده است که ایشان تعدد نماز جمعه را در یک شهر یا قریه جائز نمیدانسته اند.

امام طحاوی، تمرتاشی و صاحب مختار و عتابی این نظریه را اختیار کرده و حضرت امام شافعی و روایت مشهور از امام مالک و یکی از دو روایت از حضرت امام احمد بن حنبل نیز بر این نظریه صحه گذاشته اند.

اما اکثر فقهاء احناف نیز تعدد نماز جمعه را در یک شهر یا قریه جائز دانسته و بر صحت آن فتوا داده اند. حالا در چنین وضعیتی که حقیقت برای ما روشن نیست، فقهاء برای خروج از خلاف مجتهدین، دستور داده اند تا چهار رکعت احتیاط ظهر (فرض نماز ظهر همان روز) خوانده شود تا در صورت صحیح بودن نماز جمعه آنان، نماز ظهر همان روز آن عده فوت نگردد و در صورتی هم که نماز جمعه‌ی آنان صحیح بوده باشد، چهار رکعت احتیاط الظهر آنان تبدیل به نافله میگردد.

خلاصه کلام اینکه، احتیاط الظهر در دو صورت خوانده شده و اداء آن نیز واجب میگردد که عبارتند از:

- 1- در صورت وجود شک و تردید در مصر بودن آن محل.
- 2- در صورت تعدد نماز جمعه و اداء آن در بیش از یک محل در یک شهر یا قریه این

فتاویٰ است که فقهاء احناف صادر کرده و مشروعیت آنرا تبیین نموده اند و کسانی هم که اهل تحقیق و همچنین اهل بصیرت هستند قطعاً میدانند و مطالعه کرده اند که ابن عابدین رحمة الله عليه در کتاب خود میفرماید: «كُلُّ مَوْضِعٍ وَقَعَ الشَّكُّ فِي كَوْنِهِ مَصْرَأً يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يُصْلُوَا بَعْدَ الْجُمُعَةِ أَرْبَعًا بِنِيَّةِ الظَّهَرِ إِحْتِيَاطًا حَتَّىٰ أَنَّهُ لَوْلَمْ تَقْعُ الْجُمُعَةُ مَوْقِعَهَا يَخْرُجُونَ عَنْ عُهْدَةِ فَرْضِ الْوَقْتِ بِإِدَاءِ الظَّهَرِ وَ فِي الْقُنْيَةِ لَمَّا أُبْتَلَى أَهْلُ مَرْوِ بِإِقَامَةِ الْجُمُعَتَيْنِ فِيهَا مَعَ اخْتِلَافِ الْعُلَمَاءِ فِي جَوَازِهِمَا أَمْرَ أَئْمَاثُهُمْ بِالْأَرْبَعِ بَعْدَهَا حَتَّمَا إِحْتِيَاطًا». (حاشیه ابن عابدین علی الدر المختار جلد 2 صفحه 146).

### **خواندن نماز جمعه در همه مساجد شهر:**

نظر اکثر علماء بر این است اگر شهر کوچک بود و برگزاری جمعه برای مردم مشکلاتی از قبیل کمبود جا و دوری راه به همراه نداشت باید در یک محل مراسم جمعه برگزار شود و در صورتی که شهر بزرگ باشد و به علت ضيقت مکانی و دوری راه تجمع مردم امکان پذیر نبود بر حسب نیاز فتوا به تعدد جمعه داده اند.

### **نه خواندن نماز جمعه به بهانه نبودن حکومت اسلامی:**

تعداد از مسلمانان در کشور های که اقلیت مذهبی زندگی میکنند به بهانه اینکه در آن مناطق شروط کافی برای اقامه جمعه به دلیل نبود خلیفه فراهم نیست. از خواندن نماز جمعه امتناع میورزند!

به این عده از مسلمانان باید گفت: «این افراد به دلیل ترک جمعه و خواندن نماز ظهر بجای آن، مرتكب کاری بد (و گناه) شده اند، زیرا در نزد اهل سنت و جماعت؛ وجود خلیفه یا اجازه وی، از شروط واجب شدن نماز جمعه یا شرط صحت آن نیست». (برای مزید معلومات مراجعه شود به فتاویٰ اللجنة الدائمة والإفتاء (187/8)).

### **ترک و سهل انکاری در نماز جمعه:**

بر اساس حکم قرآنی و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و اجماع بر تک تک مسلمانان بالغ و مذکر و توانا فرض عین است که نماز جماعت را بر پا دارند ، مگر بر کسی که مريض یا در سفر باشد و یا برای زنان و کودکان که بالای آنان واجب نیست. از ابن عمر و ابو هریره روایت است که آنان از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدند که روی منبرش می فرمود : «لِيَنْتَهِنَ أَقْوَامٌ عَنْ وَدْعِهِمُ الْجَمَعَاتِ أَوْ لِيَخْتَمِنَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ ثُمَّ لِيَكُونَنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ» «افرادی که جمعه را ترک می کنند باید از این عملشان دست بکشند و گرنه خداوند بر قلبها آنها مهر (غفلت) می زند، سپس در زمرة غافلان قرار می گیرند».

از عبدالله روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم به گروهی که نماز جمعه را ترک می کردند فرمود : «لقد هممت أن آمر رجلا يصلی بالناس، ثم أحرق على رجال يتخلفون عن الجمعة بيوبتهم» «تصمیم داشتم که شخصی را مأمور کنم تا برای مردم نماز بخواند سپس بروم و خانه های مردانی را که به نماز جمعه نمی آیند بر سرشان آتش بزنم». از ابو جعد ضمیری روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : «من ترك ثلاث جمع تهاونا بها طبع الله على قلبه» «کسی که سه جمعه را از روی بی توجهی، ترک کند خداوند بر قلبش مهر می زند».

از اسامه بن زید روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « من ترک ثلات جمادات من غير عذر کتب من المنافقین » « کسی که سه جماعت را بدون عذر ترک کند، از منافقین به حساب می‌آید ».

پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرمایند: « من ترک ثلات جمع تهاونا بها، طبع علی قلبه » ( ابو داود 1052 ) ( یعنی: هر کس که از روی تنبی سه جماعت را ترک کند بر قلب او مهر زده می‌شود. )

و همچنان می‌فرمایند: « الجمعة حق واجب على كل محتمل الا الاربعة: عبد مملوك او امراة او صبي او مريض » ( ابو داود 1067 ) ( نماز جماع حق واجب است که بر هر بالغی واجب است مگر بر چهار دسته: بر برد و یا زن و یا کودک و یا مريض. ) و در حدیثی دیگر می‌فرمایند: « من كان يومن بالله واليوم الآخر فعليه الجمعة يوم الجمعة، الا مريض او مسافر او امراة او صبي او مملوك » دارقطنی 2/3. یعنی: هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد پس نماز جماعه بر وی واجب است الا بر مريض یا مسافر یا زن یا کودک یا برد.

### سهول انگاری و تخلف از شرکت در نماز جماعه:

در مورد سهول انگاری و تخلف از شرکت در نماز جماعه در حدیثی از عبدالله بن مسعود روایت است که: رسول الله صلی الله علیه و سلم ، در باره گروهی که در اقامه نماز جماعه سهول انگاری می‌کنند فرموده است: « می خواهم مردی را برای نماز جلو کنم آنگاه خودم نزد کسانی بروم که از شرکت در نماز جماعه تخلف می‌ورزند و آنها را در خانه هایشان بسوزانم. (مسلم)

همچنین عبدالله بن عمرو و ابو هریره می‌گویند: رسول خدا از روی منبر فرمود: « باید دست بردارند کسانی که نماز جماعه را ترک می‌کنند از این کار وگرنم بیم آن می‌رود که خداوند بر قلب‌هایشان مهر بزند سپس جزو غافلان بشمار روند ». (مسلم)

همچنین ابو جعفر ضمیری می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده است: « هر کس سه جماعه را از روی سهول انگاری ترک نماید، خداوند مهری بر قلب او خواهد زد. (ابوداود و ترمذی) و در روایتی آمده است که بر قلب او مهر مناقبت زده می‌شود .

بنآ آنچه بیان گردید بر مسلمانان بخصوص بر طبقه جوان است که با اهمیت و شوق و ذوق بیشتری برای شرکت در نماز جماعه؛ اشتراک نمایند.

### نتیجه‌ی ترک نماز جماعه بدون عذر:

در حدیثی از محمد بن عبد الرحمن بن زراره رضی الله عنه روایت که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است: « من سمع النساء يوم الجمعة فلم يأتها ثم سمعه فلم يأتها ثم سمعه ولم يأتها طبع الله على قلبه وجعل قلبه قلب منافق » . « اخرجه البیهقی - صحیح الترغیب و الترهیب رقم ۷۳۵ )

( کسی که آذان روز جماعه را بشنود و به نماز نیاید و دوباره شنیده و نیاید و باز شنیده و نیاید خداوند بر قلب او مهر می‌زند و قلب او را به قلب منافق تبدیل می‌کند. )

علماء میفرمایند بر کسیکه نماز جمعه بر او واجب باشد ولی عمدًا، آنرا ترک کند مستحق عقاب می باشد زیرا در آیه ۹ سوره جمعه پروردگار با عظمت امر فرموده است «اگر در روز جمعه به نماز نداء داده شد به سوی ذکر خدا بروید و معاملات را ترک کنید)

پس کسیکه خلاف امر خداوند عمل کند مستحق عذاب خواهد بود و در حدیث ابن ماجه از جا برآمده که حضرت محمد صلی الله علیه وسلم میفرماید: «من ترک ثلاث جمع تهاوناً، طبع الله على قلبه» (1179 نیل الاولطار) (کسی که سه جمعه را عمدًا پشت سر هم ترک کند خداوند بر قلبش مهر می نهد) ابن مسعود روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم به کسانی که از نماز جمعه تخلف می کنند فرمود:

«لقد هممت ان آمر رجلاً يصلى بالناس ثم أحرق على رجال يتخلفون عن الجمعة بيوطهم» (احمد و مسلم حديث صحيح) (تصمیم گرفتم کسی را انتخاب کنم که برای مردم امامت نماز کند) (منظور نماز جمعه است) پس کسانیکه از انجام جمعه تخلف کنند خانه هایشان را بر آنها بسوزانم) پس نماز جمعه در شریعت اسلام جایگاه مهمی دارد و هر کس از مسلمانان از آن تخلف نماید مستحق عقاب خواهد شد.

### حکم شرعی تبریک گفتن روز جمعه:

در این هیچ جای شکی نیست که روز جمعه برای مسلمانان یکی از روزی های بزرگ بوده و بمثابه روز عید مسلمانان بشمار میرود، و بسیاری از مسلمانان عادت دارند که فرا رسیدن روز جمعه را به یک دیگر تبریک عرض میدارند.

عید یومن این روز در حدیثی که از ابن عباس رضی الله عنه روایت کردیده است بوضاحت معلوم میگردد: «إِنَّ هَذَا يَوْمُ عِيدٍ جَعَلَهُ اللَّهُ لِالْمُسْلِمِينَ، فَمَنْ جَاءَ إِلَى الْجُمُعَةِ فَلْيَعْتَسِلْ، وَإِنْ كَانَ طِيبٌ فَلْيَمَسْ مِنْهُ، وَعَلَيْكُمْ بِالسِّوَاكِ» رواه ابن ماجه (1098) وحسنہ الألبانی فی « صحيح ابن ماجه ». ( یعنی : همان روز جمعه عیدی است که پروردگار با عظمت ما آنرا برای مسلمانان قرار داده، پس هر کس برای نماز جمعه آمد ابتدا غسل کند، و اگر عطری دارد خود را خوش بو کند، و مسواك زدن را فراوش نکنید). در این جای شکی نیست که دستور و هدایت شرع اسلامی همین میباشد تا مسلمانان به یک دیگر ایام عید از جمله ( عید فطر و عید اضحی ) را تبریک گویند . بادرنظر داشت اینکه روز جمعه از جمله اعیاد مسلمین میباشد ، ولی با آنهم تبریک گفتن آن از جمله بدعت در دین بشمار میرود ، زیرا صحابه رضی الله عنهم ، که نسبت به ما در تعظیم و بزرگداشت این روز حریص تر بودند هیچگونه روایت در تبریک گفتن این روز از جانب آنان وارد نشده که آنها آمدن روز جمعه را به هم دیگر تبریک گفته باشند ، و اگر این امر مشروع می بود، همانگونه که عید فطر و عید اضحی را به هم تبریک می گفتند روز جمعه را به هم تبریک می گفتند.

هکذا اگر تبریک گفتن روز جمعه به هم دیگر در دین مشروع می بود، سلف صالح نیز به همه تبریک می گفتند، همانطور که عید فطر و عید قربان را به هم تبریک می گفتند. پس ما نیز تابع سلف صالح امت باشیم، صرف اعیاد فطر و قربان را به هم تبریک گفته ولی از گفتن تبریک عرض کردن بمناسبت روز جمعه احتراز نمایم .

از جناب شیخ صالح فوزان درباره ارسال پیام از طریق موبایل به دیگران و ذکر تبریک گفتن روز جمعه سوال بعمل آمد ، شیخ صالح در جواب فرمودند : « سلف صالح روز جمعه را به همیگر تبریک نمی گفتند، پس ما هم چیزی که آنها نکردند انجام نمی دهیم »

« مجلة الدعوة الإسلامية » پایان



## فهرست :

	جمعه در لغت	1
	صلوة الجمعة	2
	آداب روز جمعه	3
	برخی از فضائل روز جمعه در احادیث نبوی	4
	روز اول هفته جمعه است نه شنبه	5
	آغاز شب جمعه	6
	خصوصیات روز جمعه	7
	فضیلت روز جمعه	8
	کثرت صلووات در روز جمعه	9
	حکمت و فلسفه فرض شدن نماز جمعه	10
	پیامبر اسلام چرا در مکه نماز جمعه را اداء نکردند؟	11
	اولین بار نماز جمعه چه وقت فرض شد؟	12
	کمترین عدد برای اقامت نماز جمعه	13
	حکمت و فلسفه نماز جمعه چیست؟	14
	حکم نماز جمعه	15
	حکمت نماز جمعه و فضیلت رفتن به آن	16
	فضایل رفتن به مسجد	17
	زنان و نماز جمعه	18
	فضیلت دعا در نماز جمعه	19
	جمعه کفاره گناهان	20
	وقت نماز جمعه	21
	نماز جمعه بر کی فرض است؟	22
	تشویق بر خواندن نماز جمعه	23
	خواندن نماز جمعه در مسجد جامع	24
	دعا و اذکار مستحب در روز جمعه	25
	آذان در روزه جمعه	26
	سنن های روز جمعه	27
	مکروهات جمعه	28
	قضای نماز جمعه	29
	ادای نماز ظهر در روز جمعه	30
	بدعت های شب و روز جمعه	31
	مقام و منزلت خطبه جمعه	32
	خطبه حاجت	33
	زبان خطبه	34

	ایجاد فضای آرامش در بین خطبه	35
	دعاء در بین دوخطبه	36
	نماز جمعه و نه فهمیدن خطبه امام	37
	سنن قبلیه و بعدیه در نماز جمعه	38
	نماز جمعه در مسافرت	39
	امامت مسافر در نماز جمعه	40
	امامت مقیم برای ماسفر در نماز جمعه	41
	نماز جمعه در زندان	42
	خواندن نماز جمعه به صدای لودسپیگر در زندان	43
	حکم تصادف واقع شدن نماز جمعه و عید در یک روز	44
	ترتیب خواندن نماز جمعه نزد احناف	45
	خواندن نماز جمعه در مساجد غیر جامع	46
	شرط مصر برای نماز جمعه	47
	خواندن نماز جمعه در همه مساجد شهر	48
	نه خواندن نماز جمعه به بهانه نبودن حکومت اسلامی	49
	ترک و سهل انگاری در نماز جمعه	50
	سهول انگاری و تخلف از شرکت در نماز جمعه	51
	نتیجه‌ی ترک نماز جمعه بدون عذر	52
	حکم شرعی تبریک گفتن روز جمعه	53

## تابع ، نگارش و نوشته از:

امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»  
و داکتر صلاح الدین «سعیدی - سعید افغانی»

ادرس ارتباطی :

[saidafghani@hotmail.com](mailto:saidafghani@hotmail.com)

[strategicstudies@yahoo.com](mailto:strategicstudies@yahoo.com)